

اسدالله علم بارها از نبود آزادی انتخابات، بی‌ارزش بودن حقوق سیاسی مردم و مداخلات گسترده بیگانگان، دربار و دولت در انتخابات سخن به میان آورده است:

«شنبه، ۱۷ شهریور ۱۳۵۲: دولت خود را در پناه این مرد بزرگ قرار می‌دهد و طرز رفتاری که با مردم دارد مثل دولت غالب به مردم کشور مغلوب است: بی‌اعتنا و گاهی هم aggressive [= خشونت‌آمیز]. انتخابات را که مداخله می‌کند و انگشت می‌برد. انگشت که چه عرض کنم! به مردم حُقه می‌کند، حتی انتخابات ده و شهر را! برای مردم و برای علاقه مردم، چیزی باقی نمی‌ماند. همه بی‌تفاوت می‌شوند.»^۱

جالب این‌که حتی در یادداشت‌های سال ۱۳۵۴، علم، که مدعی است وضعیت برگزاری انتخابات بهتر از گذشته شده است و انتخابات با آزادی نسبی برگزار می‌شود، ناگهان به مواردی اشاره می‌کند که چنین ادعاهایی را نقض می‌کند:

«جمعه، ۱۵ فروردین ۱۳۵۴: مطلبی نخست‌وزیر، امیرعباس هویدا، در کیش، به من گفت که خیلی جالب بود و فهمیدم عنوان رشوه را دارد. آن این بود که گفت: "هرکسی را، از هر جا بخواهی، من وکیل [= نماینده مجلس] خواهم کرد، هرکس باشد؛ هیچ فکر نکن. به من بگو، تمام می‌کنم."»^۲

او در جای دیگر، شدت ناراحتی خود را از وضعیت انتخابات فرمایشی و فساد طبقه حاکم بیان می‌کند:

«سه شنبه، ۱۷ تیر ۱۳۵۴: [...] برپدر این انتخابات لعنت که پیش و بعد از آن دردسر دارد! حالا سناتورهای شکست خورده سر وقت می‌آیند، می‌خواهند انتصابی شوند. کلاً سی سناتور [انتصابی] داریم که همه سر جای خودشان هستند، جز امیرحسین خزیمه علم، که در خراسان بود و حسب‌الامر همایونی دنبال انتخابی کرمان رفت و خوشبختانه موفق شد، و یک انتصابی شیراز هم مرحوم علیقلی هدایت [بود]، که فوت کرده است. همین دو جای خالی هست و علاوه بر شکست خوردگان این

۱. امیراسدالله علم، یادداشت‌های علم (تهران، انتشارات معین، ۱۳۹۸)، ج ۳، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۳.

دوره (سی نفر)، در انتخابات، نهصد نفر داوطلب دیگر [نامزد شده‌اند] و این نهصد نفر، همگی، جای این دو نفر را می‌خواهند. البته بعضی‌ها می‌خواهند که یک عده را ما کنار بگذاریم و آن‌ها را جای آن‌ها بگذاریم و عجب این است که لیست‌هایی با ذکر دلایلی که این‌ها چقدر بد و پدرسوخته هستند و باید کنار بروند، خیلی خیلی محرمانه به ما می‌دهند. واقعاً قشر بالای جامعه ما آفسد الناس هستند.»^۱

دوم آزادی بیان

وضعیت آزادی بیان نیز، مانند انتخابات، به شدت اسفناک بود. ساواک، مخوف‌ترین سازمان زمان شاه، با کوچک‌ترین مخالفتی به شدت برخورد می‌کرد، مخالفان را به بدترین صورت شکنجه می‌داد و بسیاری را به شهادت می‌رساند. مجلهٔ تایم در نوزدهم فوریهٔ ۱۹۷۹، دربارهٔ ساواک می‌نویسد:

«ساواک نفرت‌انگیزترین و مخوف‌ترین نهاد حکومتی در بین مردم به‌شمار می‌آمد و با داشتن قدرت‌های نامحدود برای دستگیری و بازجویی، هزاران مخالف شاه را شکنجه کرده و به قتل رسانده است.»^۲



تصویر ۱۴: ... گزارش مجلهٔ تایم دربارهٔ ساواک و جنایت‌های آن

فدراسیون دانشمندان آمریکایی^۳ در گزارشی با عنوان «وزارت امنیت ساواک»^۴ می‌نویسد:

۱. همان، ص ۱۶۷-۱۶۸.

2. content.time.com/time/magazine/article/0,9171,912364,00.html#

3. FAS

4. Ministry of Security SAVAK

«ساواک، به طور چشمگیری، نماد حکومت شاه از ۱۹۶۳-۱۹۷۹، یعنی دوره فساد در خانواده سلطنتی، حکومت یک طرفه، شکنجه و اعدام هزاران زندانی سیاسی، سرکوب مخالفان و بیگانگی توده‌های مذهبی بود. [...] روش‌های شکنجه ساواک شامل شوک الکتریکی، شلاق زدن، ضرب و شتم، قرار دادن لیوان شکسته و ریختن آب جوش در روده از طریق مقعد، اتصال وزنه به بیضه‌ها و کندن دندان و ناخن بود. بسیاری از این فعالیت‌ها بدون هیچ‌گونه نظارت مؤسساتی‌ای انجام شده‌است.»^۱

فضای حاکم بر کشور، در دوران پهلوی، به شدت در تضاد با آزادی بود. این فضای حتی مورد انتقاد دربار نیز قرار می‌گرفت. اسدالله علم در خاطرات روز ۴ تیر ۱۳۵۲ می‌نویسد:

«... مخبر دیلی تلگراف و مخبر گاردین را، که می‌خواهند مقالات مفصلی راجع به ایران بنویسند، برای سه ساعت ملاقات و [با آن‌ها] مصاحبه کردم. واقعاً خسته شدم. [...] مخبر دیلی تلگراف سؤال کرد: "چرا به مردم آزادی بیان و قلم نمی‌دهید؟" من جواب دادم: "وقتی مردم آنچه خواسته‌اند به دست بیاورند به دست آورده‌اند (در نتیجه انقلاب شاه و ملت)، دیگر می‌خواهند چه بگویند؟" اما به طوری از این جواب خودم خجل بودم که حدی نداشت؛ مثل جواب کشورهای کمونیستی بود. ولی چیز دیگری نمی‌توانستم بگویم. البته خودم هم عقیده من این است که با آن نوع آزادی‌های سیستم اروپا، کار ما و کشورهای شرقی به سامان می‌رسد و این مطلب را همه جا گفته و می‌گویم.»^۲

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، عضو هیئت علمی دانشگاه آکسفورد، در کتاب *اقتصاد سیاسی ایران* می‌نویسد:

«شاه، چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ سیاسی، در موقعیت قدرتمندی قرار داشت و یارای مقابله با مخالفانش را داشت. گرایش سنتی مذهبی نیز با گفتارها و گاه نوشتارهای خود، بر ضد اصلاحات ارضی و «حقوق زنان» (به راستی که حتی مردان از هیچ‌گونه حقوق سیاسی‌ای برخوردار نبودند، چه رسد به زنان!)، موقعیت تبلیغاتی شاه را تقویت می‌کرد. [...] در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، شورش‌های وسیعی

1. web.archive.org/web/20121004210413/http://www.fas.org/irp/world/iran/savak/index.html

۲. امیراسدالله علم، *یادداشت‌های علم* (تهران، انتشارات معین، ۱۳۹۸)، ج ۳، ص ۸۷.

سراسر کشور را فراگرفت. شاه به کاخ سعدآباد رفت و چنان‌که روزنامهٔ *دیلی تلگراف* پیروزمندانه در صفحهٔ اول خود اعلام کرد، «به سربازانش فرمان آتش به قصد کشت را داد». کشتار سه روز ادامه داشت تا سرانجام مردم بر آن شدند که این بار دیگر به اندازهٔ کافی قربانی داده‌اند. برآورد قابل اطمینانی از تعداد مجروحان و کشته‌ها در دست نیست، از جمله به این دلیل که آن‌ها را، زنده یا مرده، به سرعت از خیابان‌ها جمع‌آوری و در گورهای دسته‌جمعی مدفون کرده یا از هوا به دریاچهٔ غیرقابل دسترسی حوض السلطان، بین تهران و قم، فرو انداختند. تعداد مقتولان، طبق آمارهای رسمی، کمتر از ۹۰ نفر (!) و بنابر آمارهای غیررسمی، بین ۵٫۰۰۰ تا ۶٫۰۰۰ نفر [نفر] برآورد شده است. رقم مزبور برای کل کشور بایستی حداقل بالغ بر چند هزار نفر بوده باشد.^۱

در قسمتی دیگر از این کتاب می‌خوانیم:

«در اول بهمن ۱۳۴۱، گروهی از کماندوهای ارتش، با تجهیزات کامل، به دانشگاه تهران یورش بردند و تظاهرات بزرگی را که در صحن آن جریان داشت برهم زدند، بسیاری از زنان و مردان جوان را وحشیانه زدند و مجروح و ناقص کردند، به دانشکده‌ها وارد شدند و درها و پنجره‌ها و وسایل آزمایشگاهی را شکستند و دانشجویان و میز و صندلی‌ها و کتاب‌های کتابخانه‌ها را از پنجره به بیرون پرتاب کردند. این یورش، که از مدت‌ها پیش تدارک آن دیده شده بود، هدفی دوگانه داشت: دادن درس سختی به دانشجویان و مهم‌تر از آن، سرنگون کردن دولت. هدف مشخص تظاهرات اعتراض علیه اخراج یک یا دو دانش‌آموز به دلیل شرکت در فعالیت‌های سیاسی بود. [...] یورش کماندوها چنان وحشیانه و همه‌جانبه بود که رئیس و شورای دانشگاه استعفا دادند و اعلام کردند که از حملهٔ مغول به این طرف، چنین رفتاری بی سابقه بوده است.»^۲

دیکتاتوری شاه به حدی بود که حتی کوچک‌ترین انتقادی را تاب نمی‌آورد. اسدالله علم در خاطرات خود نقل می‌کند:

۱. محمدعلی همایون کاتوزیان، *اقتصاد سیاسی ایران* (چاپ بیست و چهارم: تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۸)،

ص ۲۷۲-۲۷۳.

۲. همان، ص ۲۶۹.

«شنبه، ۳۱ تیر ۱۳۵۱: یک دفعه برگشتند فرمودند: "این دکتر کنی، رئیس و دبیرکل حزب مردم، چه غلط‌هایی کرده‌است؟" عرض کردم: "نمی‌دانم." فرمودند: "بلی، در اصفهان میتینگ داده و گفته‌است این دولت یک دولت ارتجاعی است و به علاوه اگر انتخابات شهرداری‌ها و انجمن‌های ولایتی آزاد باشد، حزب ما خواهد برد. اولاً چطور به خود جرئت داده‌است بگوید دولت من دولت ارتجاعی است؟ ثانیاً چطور ممکن است تفرقه به این حرف بکند که انتخابات در سلطنت من آزاد نیست؟" عرض کردم: "من که خبر نداشتم چه گفته‌است، ولی رئیس حزب اقلیت یک چیزی که باید بگوید. هرچه می‌گوید، اگر شاهنشاه tolerance [= بردباری] نداشته باشد، البته برخوردنده است و به ابروی یار برمی خورد."^۱

با تعویض دبیرکل این حزب و برگزیدن ناصر عامری به جای گنی نیز تغییری در وضعیت به وجود نیامد و کوچک‌ترین سخنان انتقادی یا حتی پیشنهادهای اصلاحی این دبیرکل هم با خشم و عصبانیت شاه مواجه می‌شد:

«یک‌شنبه، ۲۷ آبان ۱۳۵۲: صبح زود ناصر عامری، دبیرکل حزب مردم، که جای دکتر کنی است، با سیل‌های آویزان پیش من آمد که: "از نطق‌های من در گرگان، که گفته‌ام باید تحصیلات و معالجه برای مردم مجانی باشد، شاهنشاه عصبانی شده‌اند. [...] حالا هم اجازه شرفیابی خواسته‌ام، به من نمی‌دهند. چه خاکی به سر بریزم؟" در دلم خیلی خندیدم. [...] در دلم گفتم: " [...] کجایش را خوانده‌ای!"^۲

غلم سه روز بعد، این ماجرا را برای شاه تعریف می‌کند و با واکنش عجیب شاه مواجه می‌شود:

«چهارشنبه، ۳۰ آبان ۱۳۵۲: صبح بدبخت عامری، دبیرکل حزب مردم را پذیرفته بودم. عرض کردم: "حالا تکلیف بیچاره چیست؟" فرمودند: "نمی‌دانم؛ هر غلطی می‌خواهد بکند." عرض کردم: "اگر نظر مبارک آن است که به کلی این حزب از بین برود، مطلب دیگری است، وگرنه این‌طور که نمی‌شود." بالأخره آن قدر اصرار کردم که تکلیفی برای او روشن شد؛ یعنی برود در آذربایجان بگوید "من

۱. امیراسدالله علم، یادداشت‌های علم (تهران، انتشارات معین، ۱۳۹۸)، ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۳.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۴۴.

گه خوردم؛ در گرگان اشتباه کرده بودم". گرچه مساوی با ازبین رفتن است، ولی لااقل تکلیفش روشن می‌شود.^۱

عامری چند روز بعد این کار را می‌کند. عَلم می‌نویسد:

«دوشنبه، ۵ آذر ۱۳۵۲: نطق دبیرکل حزب مردم را در تبریز دادم ملاحظه فرمودند که تقریباً گفته بود در گرگان گه خوردم. فرمودند: "خوب است."^۲

گاهی نیز عَلم به خاطر رفتارهای کاملاً خلاف قواعد بازی با حزب اقلیت، کلافه و تا حدی عصبانی می‌شد و با دلخوری، موضوع را با شاه در میان می‌گذاشته است:

«پنج‌شنبه، ۱۷ مرداد ۱۳۵۳: عرض کردم: "رئیس حزب مردم، بدبخت عامری، عرض می‌کند مقرری ما را دولت بریده. من که پولی ندارم که چرخ حزب را بگردانم." فرمودند: "البته باید بیژد. ایشان، که ادعا می‌کنند بین مردم اکثریت مطلق دارند، بروند پولشان را هم از مردم بگیرند!" من عرض کردم: "بدبخت اگر این ادعا را هم نکند، پس چه بکند؟ انتقاد که نمی‌تواند بکند. دست کسی را هم که نمی‌تواند بگیرد و کمکی به کسی بکند. این حرف را هم نزنند؟!"^۳

توصیفی که عَلم از زبان حال دبیرکل حزب مردم راجع به این حزب بیان کرده، در عین کوتاهی، بسیار گویاست:

«یک‌شنبه، ۱۱ اسفند ۱۳۵۳: بیچاره ناصر عامری، دبیرکل سابق حزب مردم، که یک ماه قبل در آکسیدان [= تصادف] اتومبیل کشته شد، آن قدر عاجز شده بود که دائماً التماس می‌کرد: "یا بگش یا چینه ده یا از قفس آزاد کن!"^۴

مطبوعات

مسئله آزادی مطبوعات یکی دیگر از موضوعات مهم حوزه فعالیت‌های سیاسی است. وقتی فضای احزاب سیاسی، که توسط شخص شاه ایجاد شده

۱. همان، ص ۲۴۸.

۲. همان، ص ۲۵۷.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۰۷.

۴. همان، ص ۳۹۷.

بود، به قول غلم «مسخره اندر مسخره اندر مسخره است»، طبیعی است فضای مطبوعات، که از احزاب سیاسی ضعیف‌تر بودند و حتی بعضاً اخبار احزاب را منتشر می‌کردند، به مراتب وضعیت بدتری داشته باشد، تا جایی که حتی وقتی مطبوعات، بنابر فرمان شاهانه، چاره‌ای جز چاپ یک عکس نداشتند، گویا برای طبع دیکتاتوری شاه خوشایند نبود و به‌طور خلق‌الساعه، دستور تغییر می‌کرد. لذا به این بهانه محقر، به زندان می‌افتادند و غلم تحقیقات چندروزه‌ای در این باره انجام می‌داد که خود بُعد دیگری از نحوه مواجهه دیکتاتوری با آزادی مطبوعات است:

«یک‌شنبه، ۲۰ خرداد ۱۳۵۲: [...] به منزل برگشتم. به محض ورود، شاهنشاه تلفن فرمودند که: "بین چه عکسی پدرسوخته‌ها در روزنامه‌ها، از من و هیوم چاپ کرده‌اند؛ مثل این که من دارم به هیوم تعظیم می‌کنم! باید پدر این‌ها را دربیآوری!" من فوری مشغول تحقیق شدم. معلوم شد [یک] وقتی شاهنشاه امر فرموده بودند هنگام تقدیم استوارنامه سُفرا، عکس‌هایی که سُفرا را زیاد درحال تعظیم نشان می‌دهد چاپ نکنند. به این دلیل، [...] روزنامه [از دو عکس موجود] آن یکی را چاپ کرده‌است. باری، به هر صورت، همه مسئولین را، از سردبیر روزنامه اطلاعات تا مسئول کانون خبرنگاران عکاس، همه را گرفتم تا ببینم نتیجه تحقیقات بعد چه می‌شود، ولی از این عمل خودم بسیار ناراحت هستم.»^۱

«دوشنبه، ۲۱ خرداد ۱۳۵۲: [...] صبح به اختصار شرفیاب شدم. جریان تحقیقات راجع به عکاس‌ها را عرض کردم، ولی هنوز نتوانستم نتیجه‌گیری کنم.»^۲

«سه‌شنبه، ۲۲ خرداد ۱۳۵۲: [...] صبح شرفیاب شدم. باز هم تحقیقاتی که در مورد عکس‌های روزنامه کرده بودم به عرض رساندم.»^۳

«چهارشنبه، ۲۳ خرداد ۱۳۵۲: [...] کارهای جاری را عرض کردم و مرخص شدم و اجازه گرفتم که فردا به کیش بروم. چون شاهنشاه سرحال بودند، [...] عرض

۱. همان، ج ۳، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۷۴.

۳. همان.

کردم: "دستور دادم روزنامه‌ها عکس‌های تعظیم هیوم را بگذارند، که گذاشته‌اند، و اینک تقدیم می‌کنم. ملاحظه می‌فرمایید. ولی باید عرض کنم آن بدبخت‌ها را که گرفته‌ایم کاملاً بی‌تقصیر هستند و اگر آن‌ها را در حبس نگه داریم، واقعاً ظلم کرده‌ایم." فرمودند: "آزادشان کنید." خیلی خوشحال شدم. مرخص شده، فوری امر را اجرا کردم و به ساواک دستورات مقتضی دادم.^۱

بحث سانسور در مطبوعات، بحث دائمی دوران پهلوی بود که اکنون مناسب است نمونه‌هایی از ابلاغیه‌های موجود دربارهٔ اعمال سانسور ملاحظه شود:

- سینماهای قزوین را بر اثر تقاضای افزایش بلیت تعطیل کردند (چاپ نشود).
- خبرگزاری رویترز از پیشاور خبری مخابره کرده‌است که بعضی قبایل علیه دولت قیام کرده‌اند. البته علت قیام اعتراض به اصلاحات ارضی است که در پاکستان اجرا شده (قابل چاپ نیست).
- در مورد نامه‌ها، شکایات کارگران و کارمندان، که به هر علت و سببی از کارخانه‌جات و ادارات اخراج می‌شوند، هیچ نوع خبر، مطلب، نامهٔ وارده و شکواییه نباید چاپ و منتشر شود.
- خبر روزنامه‌های صبح در مورد به‌گروگان گرفتن شانزده یهودی در واشنگتن تیتراول نشود، بلکه در ستون باشد.
- خبر مشروح شهرک دانشگاهیان همراه عکس چاپ شود.
- هیچ‌گونه مطلب، خبر و تفسیر پیرامون تغییر ساعت، به هیچ وجه چاپ نشود.
- برادر آقای گنجی، وزیر آموزش و پرورش، در تهران فوت شده‌است. چون وزیر آموزش و پرورش در تهران نیست، هیچ خبری، حتی به صورت آگهی، قابل چاپ نیست.
- مطالب ضدمائو بعد از این دیگر چاپ نشود.
- اظهارات سناتور لاجوردی در مورد احتمال زلزله در تهران و اثر آن روی ساختمان‌های فعلی قابل چاپ نیست.

۱. همان، ص ۷۹.

- خبرها و همچنین گزارش‌ها و مطالبی دربارهٔ این‌که بوتو حکومت شریعت اسلامی را قبول کرد، کاباره‌ها، می‌کده‌ها و کازینوها در پاکستان تعطیل شد و در آینده، ایدئولوژی اسلامی در پاکستان حکومت خواهد کرد، به هیچ وجه در خبرها، مطالب، گزارش‌ها و تفسیرهای مربوط به پاکستان نباید منعکس شود، حتی اگر به زبان خود بوتو باشد.

- عکس ملاقات کفیل وزارت اطلاعات بحرین با وزیر اطلاعات حتماً امروز چاپ شود.
- راجع به اجساد مومیایی، حتی یک کلمه خبر و مطلب دیگر چاپ نشود.
- آسوشیتدپرس از لندن خبر داده است که دولت انگلستان، به دستگیری سازمان سیا، دولت دکتور مصدق را سرنگون کرد. این مطلب را اخیراً یک روزنامه‌نگار فرانسوی نوشته است (چاپ نشود).

- هفت کوه‌نورد در کرج سقوط کرده و کشته شده‌اند (این خبر قابل چاپ نیست).
- راجع به سالروز قتل عام ارامنه، هیچ‌گونه خبر، مطلب و عکسی قابل چاپ نیست.
- در مورد شیوع و باد در همدان و اطراف، که تلفات هم داشته، مطلبی چاپ نشود.^۱
با تمام این تهدیدها، نظام شاهنشاهی جرایم موجود را تحمل نکرد و در سال ۵۳، دستور تعطیلی و توقیف بیش از پنجاه روزنامه و مجله صادر شد و به اجرا درآمد.^۲

هراس حاکم بر جامعه به جایی رسیده بود که برخی از مردم و حتی افراد سرشناس، از ترس مورد غضب قرار گرفتن دق می‌کردند و از دنیا می‌رفتند. مثلاً زمانی که روزنامهٔ اطلاعات در ۲۹ خرداد سال ۱۳۵۳، خبر مرگ مسعودی را منتشر کرد، اشاره‌ای به علت سکتتهٔ او نکرد، ولی مطالعهٔ حادثه‌ای که چند روز قبل از آن، بین عباس مسعودی و اسدالله علم گذشته بود شاید بتواند در روشن شدن علت سکتتهٔ منجر به فوت بنیان‌گذار روزنامهٔ اطلاعات مؤثر باشد.

۱. جواد مجابی، سخن در حلقه زنجیر (تهران، انتشارات سمندر، ۱۳۵۷)، ص ۱۴-۱۵.

۲. محمد طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، ص ۷۹۵.

عباس مسعودی، بنیان‌گذار روزنامه‌ی اطلاعات، از سال ۱۳۱۴ به بعد، شش دوره نمایندگی مجلس شورای ملی، چهار دوره سناتور انتخابی و دو دوره سناتور انتصابی تهران بود، اما در اواخر عمر مورد بی‌مهری قرار گرفت و یکی از دلایل آن هم ظاهراً سعایت هویدا بود. امیر اسدالله علم در یادداشت روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ۱۳۵۳، به این بی‌مهری اشاره می‌کند و در یادداشت روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۳ می‌نویسد:

«سر شام رفتیم. شاهنشاه، خیلی عصبانی، فرمودند: "این مسعودی (مدیر روزنامه‌ی اطلاعات) را از دور می‌بینم و شاخ‌وشانه می‌کشد که بیاید با من حرف بزند." در کاخ علیاحضرت ملکه‌ی پهلوی، شاهنشاه و خاندان سلطنت جدا شام می‌خورند، میهمان‌ها در سالن دیگر. من هم در حضور شاهنشاه شام می‌خورم. شاهنشاه فرمودند: "[...] روزنامه‌ی اطلاعات ارگان مصدقی‌ها و توده‌ای‌ها شده؛ مثلاً امروز از قول تاکسی‌ران‌ها نوشته‌است که «ما مثل سگ زحمت می‌کشیم و این شرکت تعاونی تمام عایدات ما را می‌خورد». مگر شرکت تعاونی مال کیست؟ آن هم که مال خودشان (یعنی تاکسی‌ران‌ها) است." چون عده‌ای، مثل دامادها و علیاحضرت شهبانو، سر میز شام بودند، من جرئت نکردم بکود و بکنم و عرض کردم: "خوب روزنامه باید مطلب را بگوید و جواب هم داده شود و آن را هم منعکس بکند." به هر صورت، برخاستم و به بدبخت مسعودی گفتم که حق ندارد شرفیاب بشود و بعد از این هم در کاخ علیاحضرت ملکه‌ی پهلوی دعوت نخواهد شد. چیزی نمانده بود که سخته کند، ولی چون آدم مجرب‌ی است گفت: "پریشب در همین جا مطلبی را شاهنشاه به من فرمودند که برخلاف میل هویدا بود و اصرار فرمودند که به وزیر اطلاعات هم بگویم. من هرگز از این غلط‌ها نمی‌کردم، ولی چون امر بود اطاعت کردم. گویا مطلب به هویدا، نخست‌وزیر، گران آمده و مطلبی به شاهنشاه عرض کرده و به هر حال، من چوب این کار را می‌خورم."^۱

صبح روز بعد مسعودی نامه‌ای به اسدالله علم می‌نویسد که علم عین آن را ضمیمه‌ی یادداشت‌های خود کرده‌است. مسعودی در این نامه می‌نویسد:

۱. امیر اسدالله علم، یادداشت‌های علم (تهران، انتشارات معین، ۱۳۹۸)، ج ۴، ص ۱۳۱-۱۳۲.

«جناب آقای علم، وزیر محترم دربار شاهنشاهی! اوامر مطاع ملوکانه، که دیشب به بنده ابلاغ فرمودید، تازیانۀ سهمگینی بود که بر چاکر و خانم وارد آمد و باور بفرمایید تمام شب خواب به چشم ما نرفت، چون من و زلم خودمان را خاکسار درگاه سلطنت می‌دانیم و از جان و دل شیفته عنایات شاهنشاه محبوب خود و خاندان سلطنت هستیم و اگر نقایصی در کار انتشار اخبار و مطالب روزنامه پدید می‌آید، حمل به اهمال و تغلل چاکر نفرمایید، چون پیوسته سعی داشته و دارم که خدمت‌گزارئ صدیق در طول عمر خود بوده و پیرو افکار و نیت مبارک شاهانه هستم. در چنین پیشامدهایی گناه‌کار نیستم، چون به واسطۀ کھولت و ضعف، توانایی آن را ندارم که تمام مطالب روزنامه را شخصاً کنترل کنم و به همین سبب، فرزندم، فرهاد مسعودی را به کمک طلبیدم، که او هم در کمال خلوص نیت و عقیده، وظایف خود را انجام می‌دهد. متأسفانه در دو هفته اخیر، که به اروپا سفر کرده بود، خطاهایی از جمله خطاهای اخیر به وقوع پیوست که چاکر، خود، پس از طبع و نشر، به آن واقف شدم. نویسنده ستون «بازار سیاست» جوانی است تحصیل‌کرده و باذوق که از گذشته‌ها خبر ندارد و مارهای خوش‌خط و خالی را که از هر فرصتی می‌خواهند استفاده کنند نمی‌شناسد، چنان‌که بعد از توجه دادن، تازه درک مطلب کرد و در ضمن گفت این مطلب یا همین اسامی قبلاً در آئیندگان هم چاپ شده بود. اما درباره نویسنده رپرتاژ تاکسی؛ او هم مورد سرزنش قرار گرفت و شدیداً مؤاخذه شد. [...] بدیهی است مطالب زنده‌ای که نوشته شده جبران خواهد شد. تکدر خاطر ملوکانه بیش از هر چیز مرا رنج می‌دهد و نمی‌دانم چه باید کرد، چون به خوبی می‌دانم که اگر ذره‌ای از عنایات شاهنشاه نسبت به این خدمت‌گزار کاسته شود و سایه پر عظوفت مبارک بر سر این بنده نباشد، با وجود دشمنی‌ها که نسبت به چاکر اعمال می‌شود نابود خواهم شد.

آقای علم! شما را به سرمبارک شاهنشاه قسم می‌دهم عرایض چاکر را به سمع ملوکانه برسانید و چاره‌ای بیندیشید که از این پریشانی و تأثر خلاص شوم. هرامری از پیشگاه ملوکانه شرف صدور یابد مطاع است. عباس مسعودی.»^۱

عَلَم در یادداشت روز ۱۶ خرداد ۱۳۵۳ خود، به واکنش شاه به این نامه اشاره می‌کند و می‌نویسد:

۱. همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

«نامهٔ بدبخت مسعودی را دادم خواندند. فرمودند: "مسئلهٔ عفو شما بسته به رفتار آیندهٔ شما خواهد بود."»^۱

عباس مسعودی یازده روز پس از این ماجرا، پشت میزش سگته کرد و ناراحتی و اضطراب او از عواقب خشم شاهانه، در مرگ نابه‌هنگام وی (۲۷ خرداد ۱۳۵۳) بی‌تأثیر نبود. علم در یادداشت‌های خود می‌نویسد:

«وقتی خبر مرگ مسعودی را به شاه اطلاع دادم، با یادآوری بی‌رحمتی [ای] که در حق او شده بود، از شاه اجازه گرفتم در مجلس ختم وی شرکت کنم و مراتب تقداری حضرت را به خانوادهٔ مسعودی ابلاغ نمایم.»^۲

سوم | احزاب

فعالیت احزاب در دوران پهلوی، افت‌وخیزهای فراوانی داشت و فعالیت سیاسی - سازمانی هیچ‌گونه ثباتی نداشت. خفقان سیاسی در این دوران به حدی بود که در نهایت دو حزب «مردم» (به رهبری اسدالله علم) و «ایران نوین» (به‌جای حزب «ملیون»)، توسط حسن‌علی منصور و با حمایت شاه تشکیل شدند و در انتها، به‌دستور شاه، این دو حزب منحل شدند و حزب «رستاخیز» به‌عنوان تنها حزب کشور معرفی شد، حزبی که علی‌رغم ادعای مردمی بودن، شاه در آن نقشی کلیدی داشت. در جواب انتقاد به عملکرد شاه و تحمیلی بودن احزاب، شاه مردم ایران را دارای سواد لازم برای شناخت درست و تشکیل حزب از درون مردم ندانست.^۳ محمدرضا شاه هنگام معرفی حزب رستاخیز به‌عنوان تنها حزب در کشور، به منتقدان گفت:

«کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و مؤمن به این سه اصلی که من گفتم نباشد، دوره برایش وجود دارد: یا [...] یا یک فردی است متعلق به یک تشکیلات

۱. همان، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۵۳.

۳. محمدرضا پهلوی، *مأموریت برای وطنم* (۱۳۵۳)، ص ۳۳۶-۳۳۷.

غیرقانونی، یعنی به اصطلاح خودمان: توده‌ای، یعنی باز به اصطلاح خودمان و با قدرت اثبات: بی‌وطن. او جایش یا در زندان ایران است یا اگر بخواهد، فردا با کمال میل، بدون اخذ عوارض، گذرنامه در دستش می‌گذاریم و به هر جایی که دلش می‌خواهد برود، چون ایرانی که نیست.»^۱

و در جایی دیگر گفت:

«آن‌هایی که به رستاخیز نمی‌پیوندند باید از هواداران حزب توده باشند. این خائنان و باید به زندان بروند یا این‌که همین فردا کشور را ترک کنند.»^۲

این در حالی بود که شاه هنگام دوحزبی شدن، در جواب منتقدان گفته بود:

«اگر من یک دیکتاتور بودم تا پادشاه مشروطه، می‌بایست وسوسه می‌شدم تا همانند هیتر یا مانند آنچه امروزه در کشورهای کمونیستی می‌بینید، حزب واحد مسلطی تشکیل دهم، اما من، به عنوان یک پادشاه مشروطه، آن توان و جسارت را دارم که فعالیت‌های حزبی گسترده به دور از خفقان نظام یا دولت تک‌حزبی را تشویق کنم.»^۳

پس از جمهوری اسلامی، این رویه خفقان و سرکوب شدید فعالیت‌های سیاسی به‌کلی تغییر کرده و با رویکردی آزاداندیشانه، زمینه فعالیت و بیان آزادانه گروه‌های مختلف فراهم شده است، به گونه‌ای که تا تیرماه ۱۳۹۷، ۲۴۸ تشکل سیاسی در جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند که آزادانه و با مجوز قانونی در حال فعالیت‌اند.^۴

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۳/۲/۱۲.

۲. کیهان انترناسیونال، ۸ مارس ۱۹۷۵؛ همچنین نک: فیتزجرالد، "Giving the Shah what he wants"، ص ۸۲.

۳. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم (چاپ لندن، ۱۹۶۱)، ص ۱۷۳.

۴. عبدالرضا رحمانی فضلی (وزیر کشور)، در همایش سراسری مجریان برگزاری انتخابات ۱۳۹۶. irna.ir/news/82352790: بیوند وبگاه

۲) آزادی در جمهوری اسلامی

اول انتخابات

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جمهوریت در کشور، برگزاری انتخابات‌هایی است که در طی آن، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، مقامات اصلی در سیاست کشور تعیین می‌شوند. از ابتدای جمهوری اسلامی، حدود چهل انتخابات مهم در سطح کشور برگزار شده که به ترتیب زیر است:

- انتخابات همه‌پرسی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸؛
- انتخابات خبرگان بررسی قانون اساسی در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸؛
- انتخابات همه‌پرسی تأیید قانون اساسی در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸؛
- انتخابات همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۶۸؛
- سیزده دوره انتخابات ریاست جمهوری؛
- یازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی؛
- شش دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا؛
- پنج دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

علاوه بر موارد ذکر شده، انتخابات‌های دیگری نیز ذیل این موارد (با توجه به شرایط موجود) برگزار شده‌اند که شامل مرحله دوم انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۴) و انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در سال‌های مختلف هستند.

سلامت انتخابات

در جمهوری اسلامی، به دلایل متعدد، انتخابات در سلامت کامل انجام می‌شود که می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد:

۱. اگر انتخابات سالم نبود، آیا منطقی بود عالی‌ترین مقامات (که مطلع از وضعیت

انتخابات هستند) خودشان را چند بار در معرض رأی مردم قرار دهند و با وجود رأی نیاوردن در یک انتخابات، در انتخابات بعدی نیز ثبت نام کنند؟

۲. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های سلامت انتخابات رأی آوردن افراد در دولتی مخالف تفکرات خودشان است، مثلاً رأی آوردن آقای احمدی نژاد در دولت آقای خاتمی و رأی آوردن آقای روحانی در دولت آقای احمدی نژاد. تاریخ شاهد است که نظرسنجی‌ها و رسانه‌های داخلی و حتی خارجی گزینه دیگری را تحت عنوان گزینه انتخاب نظام معرفی می‌کردند، اما در نهایت شخصی کاملاً مخالف آن جریان سیاسی رأی می‌آورد.

مثلاً در سال ۷۶، بسیاری می‌گفتند نظر نظام آقای ناطق نوری است، اما در نهایت آقای خاتمی رئیس‌جمهور شد و یا در سال ۹۲، مردم می‌گفتند نظام آقایان جلیلی یا قالیباف را از صندوق درمی‌آورد، اما در نهایت آقای روحانی رئیس‌جمهور شد.

۳. در سال ۹۲، که مدام القا می‌شد رئیس‌جمهور از قبل مشخص شده است و قطعاً آقای روحانی رأی نخواهد آورد، آقای روحانی رئیس‌جمهور شد، در حالی که او تنها ۷۱ درصد بیشتر از حد نصاب رأی آورد و اگر نظام اهل تقلب بود، به راحتی و فقط با ابطال چند صندوق، انتخابات را به دور دوم می‌کشاند، اما از رأی مردم کوتاه نیامد.

۴. اگر انتخاب نظام از ابتدا مشخص بود، چرا در هر انتخابات، رسانه‌های معاند در حمایت از یک کاندیدای خاص هزینه می‌کنند؟ آیا آن‌ها متوجه این مسئله نشدند که نظام خودش انتخاب می‌کند تا این همه هزینه نکنند؟

۵. در انتخابات‌های قبل، دشمنان و شبکه‌های بیگانه، به طور جدی، به حمایت از کاندیداهای غرب‌گرا می‌پرداختند و از مردم می‌خواستند به آن‌ها رأی دهند؛ مثلاً در سال ۸۸، خارجی‌ها از آقای میرحسین موسوی، در انتخابات مجلس سال ۹۴، بی‌بی‌سی و ... از لیست امید و در انتخابات ۹۶، در صبح انتخابات، آمدنیوز از آقای روحانی حمایت کردند. اگر نتیجه انتخابات از قبل مشخص باشد، آیا هیچ‌کدام از این سیاستمداران و غول‌های رسانه‌ای این موضوع را نمی‌دانند که وارد عرصه تبلیغ می‌شوند و وقت و آبرو و هزینه خود را خرج می‌کنند؟

فرایند انتخابات در ایران، به گونه‌ای است که امکان تقلب وجود ندارد. به عنوان مثال، هر نامزد می‌تواند در پای هر صندوق رأی، یک نماینده داشته باشد که از ابتدا تا انتهای رأی‌گیری و شمارش و تجمیع و ... حضور داشته باشد. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین تغییری به راحتی قابل تشخیص و پیگیری و اثبات است. همچنین مجریان انتخابات عمدتاً معتمدان مردم و اقشار مختلف مردم هستند و از این رو گروه‌های مختلف در این فرایند شرکت دارند و ناظر یکدیگرند.

دوم | اقلیت‌های دینی

جمهوری اسلامی ایران، با الهام از آموزه‌ها و تعالیم حیات‌بخش اسلام، جایگاه ویژه‌ای برای رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و احترام به آن‌ها قائل است. با مراجعه به اصول قانون اساسی، قوانین عادی و اقدامات جمهوری اسلامی ایران، درخصوص این گروه از هم‌وطنانمان می‌توان این مسئله را به خوبی اثبات کرد:

۱. براساس اصل ۱۳ قانون اساسی، اقلیت‌های دینی (زرتشتی، کلمی و مسیحی) به رسمیت شناخته شده‌اند و در چارچوب قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی، برطبق آیین خود عمل می‌کنند.
۲. اقلیت‌های دینی در برگزاری مراسم و مناسک مذهبی خود آزادند و جمهوری اسلامی چنین حقی را برای آنان محترم می‌شمارد و آنان می‌توانند به صورت کاملاً آزاد، در معابد رسمی خود (کلیسا، کنیسه و ...) به انجام مراسمات دینی خود بپردازند.
۳. براساس اصل ۲۶ قانون اساسی، حق تأسیس تشکل دارند: «... انجمن‌های [...] اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند.» به موجب ماده ۴ قانون فعالیت احزاب (مصوب ۱۳۶۰/۶/۷)، «انجمن اقلیت‌های دینی

موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی تشکیلاتی است که مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد».

در حال حاضر، اقلیت‌های دینی دارای ۵۸ تشکل دینی هستند (شامل ۲۹ تشکل مربوط به زرتشتیان، ۱۶ تشکل مربوط به ارامنه، ۱۰ تشکل مربوط به مسیحیان آشوری و ۳ تشکل مربوط به جامعه کلیمیان) که در حال انجام فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی‌اند و با توجه به تعداد اقلیت‌های دینی در ایران (حدود ۱۵۰,۰۰۰ نفر)، هم‌وطنان اقلیت‌های دینی ما به ازای هر ۲,۶۰۰ نفر، یک انجمن دارند. این انجمن‌ها با هدف حل مشکلات و مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی اقلیت‌های دینی تأسیس شده‌اند و هریک به نحوی سرپرستی اموری در حوزه‌های اجتماعی و برگزاری مناسبت‌های دینی و فرهنگی اقلیت‌ها را بر عهده دارند.^۱

۴. براساس اصل ۶۴ قانون اساسی، حق نمایندگی مجلس شورای اسلامی و شرکت در تمام انتخابات‌ها، اعم از شوراها، ریاست جمهوری، همه‌پرسی، خبرگان رهبری و... را دارند.

مطابق این اصل، زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال نیز هرکدام یک نماینده در مجلس شورای اسلامی خواهند داشت.

یوناتن بت کلیا، نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در دوره هفتم، هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی، می‌گوید:

«اگر نسبت جمعیت یک دین را به نماینده‌هایش در نظر بگیریم، باید بگویم ما چند برابر مسلمانان در مجلس نماینده داریم و داشتن این حق برای ما با ارزش است و دیدگاه نظام جمهوری اسلامی همواره در قبال اقلیت‌های دینی و مذهبی بسیار

مثبت و احترام‌آمیز بوده و حق مشارکت ما در برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی همواره فراهم شده است.»^۱

۵. براساس اصل تساوی عموم درمقابل قانون (اصل ۳ و ۱۴) و برخورداری همه افراد ملت از حقوق مساوی در تمام زمینه‌ها (اصول ۱۹ و ۲۰)، اقلیت‌های دینی در زمره افراد ملت قرار می‌گیرند و از تمام حقوق برخوردارند.^۲

پیرو این اصول و با توجه به ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، جمهوری اسلامی ایران همواره به بهترین شکل با پیروان اقلیت‌های دینی رفتار کرده و با آنان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته است. این واقعیتی است که بارها و بارها مورد تمجید بزرگان ادیان قرار گرفته است که برای نمونه، به چند مورد آن اشاره می‌شود:

- در بیانیه کلیساهای آشوری کلدانی تهران، در واکنش به اظهارات مداخله‌جویانه رئیس‌جمهور آمریکا آمده است:

«حضور نمایندگان ادیان توحیدی در مجلس شورای اسلامی و برخورداری از حقوق برابر، همانند دیگر نمایندگان، و دفاع از حقوق موکلان خود، آزادی برگزاری آیین‌های عبادی در کلیساها، حفظ زبان آشوری (زبان قومی)، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی - ورزشی و اختصاص ردیف بودجه جداگانه برای اقلیت‌های دینی تنها نمونه‌هایی از اهتمام نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به مقوله ادیان توحیدی و پیروان آن‌ها و حفظ ارزش‌های معنوی و اجتماعی آن‌ها می‌باشد. سی‌ام تیرماه سال جاری برگ زرین دیگری بر تاریخ پرافتخار زندگی محبت‌آمیز ادیان توحیدی در کشور عزیزمان، ایران، رقم خورد و آن تأیید حضور اقلیت‌های دینی در شوراهای اسلامی شهر و روستا توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. [...] اقلیت‌های دینی در ایران نیاز به قیم ندارند؛ نیازها و حقوق خود را از طریق نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی و از طریق ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط در دولت و نظام پیگیری و مطالبه می‌نمایند.»^۳

۱. روزنامه جم، ۱۳۸۴/۱۱/۹، ص ۹.

۲. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۸۶.

3. irna.ir/news/83000515

- یهودا گرامی، خاخام ارشد یهودیان ایران، گفت:

«ما آزادی عقیده کامل داریم. تمامی کنیسه‌ها باز بوده و آموزش‌های تورات در آنجا صورت می‌پذیرد. ما تمامی انواع مؤسسات آموزشی، از جمله ابتدایی و متوسطه را داریم. فعالیت‌های مذهبی یهودیان در ایران، به صورت آزادانه و بدون هیچ‌گونه محدودیت صورت می‌گیرد. [...] همسایگان مسلمان ما احترام زیادی برای ما، به عنوان یهودیانی که در ایران زندگی می‌کنند، قائل هستند. برخلاف اروپا، در ایران نیازی به حضور نیروهای امنیتی برای حفاظت از کنیسه‌ها و مدارس یهودی وجود ندارد و امنیت شخصی ما عالی است.»^۱

- همایون سامه‌یج، رئیس انجمن کلیمیان تهران، گفت:

«اقلیت‌های مذهبی، به‌ویژه کلیمیان، زیرسایه نظام جمهوری اسلامی و حمایت‌های همه‌جانبه ازسوی دولت، در این کشور زندگی می‌کنند و شرکراز خدمات دولت و نظام به جامعه کلیمیان هستند و تمامی فرایض مذهبی کلیمیان به صورت آزادانه در حال برگزاری است.»^۲

- ژرژیک آبرامیان، نماینده مسیحیان ارمنی حوزه جنوب در مجلس شورای اسلامی، در واکنش به اقدام وزارت امور خارجه آمریکا، مبنی بر قرار دادن نام ایران در فهرست کشورهای ناقص آزادی ادیان گفت:

«اقلیت‌های دینی، از جمله ارمنه، در کشور جمهوری اسلامی ایران، در بهترین شرایط در جامعه و کشور زندگی می‌کنند و از تمام حقوق جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند هستند.»^۳

- یوناتن بت کلیا، نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی، با صدور بیانیه‌ای، به شایعه‌سازی‌ها بر ضد جمهوری اسلامی پاسخ داد. در این بیانیه آمده است:

«آشوریان قرن‌های متمادی در ارومیه زندگی کرده‌اند و در حال حاضر، بیش از ۹۰ کلیسا در روستاهای این شهر داشته‌اند [= دارند] که [در آن‌ها] به انجام فرایض مذهبی خود می‌پردازند. قدیمی‌ترین کلیسای جهان به نام «کلیسای ننه مریم» نیز در این شهر

1. <http://humanrights-iran.ir/news-78281.aspx>

2. <http://humanrights-iran.ir/news-77972.aspx>

3. <http://humanrights-iran.ir/news-76740.aspx>

است، کلیسایی که در قرن اول مسیحیت بنا نهاده شده است. جدای از این ۹۰ کلیسا، ۶ کلیسا در تهران، به برپایی آیین‌ها و اعیاد مذهبی همت کرده و انجمن‌های این کلیساها با اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی، باعث جلب رضایت مردم خود شده‌اند. علاوه بر کلیساهای مختلف آشوریان، کلیساهای دیگری نیز در تهران فعال هستند که دو کلیسا متعلق به ارتدوکس‌های یونانی و روس، چندین کلیسا متعلق به کاتولیک‌های واتیکان و چند کلیسا به پروتستان‌ها [هستند]. علاوه بر این، کلیساهایی در همدان، کرمانشاه، قزوین، سلماس، شاهین‌شهر، کرج و اهواز [نیز] فعال هستند.»^۱

میزان احترام جمهوری اسلامی و مردم مسلمان به سایر ادیان به حدی است که برخلاف اتهام‌زنی مقامات آمریکایی به ایران درباره نقض حقوق یهودیان و نحوه‌ی محاکمه غیرقانونی آنان، خاخام‌های یهودی وابسته به گروه نتوریاکارتا، که در آمریکا مستقرند، پس از بازدید دوهفته‌ای خود از ایران، در بازگشت به نیویورک، در یک کنفرانس خبری، از مقامات ایران به جهت مهمان‌نوازی از جامعه یهودیان ایران تشکر و تأکید کردند که در دیدار با اقلیت مختلف شاهد بوده‌اند که یهودیان ایران نسبت به یهودیان سایر کشورها، از وضع بهتری برخوردارند و جوسازی رسانه‌ها درباره وضع یهودیان ایران، بی‌مورد و سیاسی است.^۲ این در حالی است که سایر مسلمانان جهان، که در کشورهای مسیحی‌نشین و ... زندگی می‌کنند، نه تنها از حقوق اجتماعی یکسان با سایر شهروندان آن کشورها برخوردار نیستند و حق داشتن نماینده در مجالس قانون‌گذاری و ... را ندارند، بلکه معمولاً مورد خشونت و آزار نیز واقع می‌شوند و حتی از عمل به تعالیم مذهبی خویش نیز منع می‌شوند (مانند مسئله حجاب در فرانسه و یا اعمال خشونت شدید نسبت به مسلمانان در آمریکا و ...).

۱. <http://humanrights-iran.ir/news-73964.aspx>

۲. حمید عبادی، چالش‌های ایران و آمریکا، ص ۱۸۸.

الف) مقایسهٔ تعداد کلیساها و مساجد

با مقایسهٔ آمار کلیساهای ایران نسبت به مساجد مسلمانان در فرانسه، به این نتیجه می‌رسیم که مسیحیان ایران، به‌رغم تعداد کمی که دارند، در مقابل جمعیت عظیم مسلمانان فرانسه، از اماکن مذهبی بسیار بیشتری برخوردارند. این تعداد از اماکن مذهبی اقلیت‌ها نه تنها در مقایسه با مساجد مسلمانان در کشورهای دیگر، بلکه حتی در مقایسه با سرانهٔ اماکن مذهبی مسلمانان در خود ایران هم شگفتی‌آور است، زیرا اقلیت‌های دینی نزدیک به ۳/۵ برابر مسلمانان (به نسبت جمعیت) عبادتگاه دارند. در سطح کشور، مسیحیان بیش از ۲۵۰ کلیسا در اختیار دارند و تقریباً به‌ازای جمعیتی حدود ۳۲۰ نفر، یک کلیسا برای آنان وجود دارد، در حالی که به‌ازای هر ۱۱۰۰ مسلمان، یک عبادتگاه وجود دارد. اماکن مذهبی اقلیت‌ها همچنین به‌طور پیوسته از سوی دولت و با هزینهٔ عمومی ترمیم و بازسازی می‌شود. برای نمونه، کلیسای تاریخی «سنت هوانس» مراغه، که قدمتی هشت‌صدساله دارد و تنها کلیسای جنوب استان آذربایجان شرقی است، توسط ادارهٔ میراث فرهنگی و گردشگری در حال بازسازی است.^۱

اما در فرانسه، که به‌اصطلاح «مهد آزادی» است، وضع کاملاً متفاوت است؛ اسلام بزرگ‌ترین اقلیت دینی فرانسه است و بیشترین تعداد مسلمانان در کشورهای غربی، در این کشور زندگی می‌کنند. سازمان سیا جمعیت مسلمانان در فرانسه را بین ۷-۹ درصد جمعیت فرانسه می‌داند (حدود ۵ میلیون نفر).^۲ البته جمعیت مسلمانان در فرانسه را تا ۸ میلیون نفر نیز برآورده کرده‌اند که علت این اختلاف عدم تظاهر بسیاری به اسلام است، زیرا مذهب می‌تواند مانعی جدی برای جذب مسلمانان در جامعهٔ فرانسوی باشد.

1. irna.ir/news/82590583

2. cia.gov/the-world-factbook/countries/france

اما با وجود جمعیت بسیار زیاد مسلمانان، در تمام فرانسه، فقط ۸ مسجد جامع وجود دارد و علاوه بر آن، می‌توان از حدود ۱۰۰ نمازخانه تقریباً آبرومند و مکان‌های کوچکی که در مغازه‌ها، خانه‌ها و کارگاه‌هایی که در سراسر فرانسه، برای نماز اختصاص یافته نام برد. در مجموع حدود ۱،۵۰۰ مسجد و عبادتگاه مختص مسلمانان وجود دارد؛^۱ یعنی به ازای هر ۳،۳۰۰ مسلمان، فقط یک عبادتگاه وجود دارد. البته برخی معتقدند که در حال حاضر، تعداد عبادتگاه‌ها در فرانسه، ۲،۵۰۰ عدد است^۲ که باز هم اختلاف قابل توجهی میان اقلیت مسیحی در ایران و اقلیت مسلمان در فرانسه است.

ب) مقایسه تعداد نمایندگان ادیان در مجلس شورای اسلامی ایران و مجلس سنای آمریکا

در ایران، حدوداً به ازای هر ۲۸۰،۰۰۰ نفر، یک نماینده در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. از سوی دیگر، اقلیت‌های دینی در ایران حدود ۲ درصد از جمعیت، یعنی حدود ۱۶۰،۰۰۰ نفر^۳ هستند؛ یعنی قاعدتاً اقلیت‌ها نباید حتی یک نماینده داشته باشند، در حالی که از ۲۹۰ نماینده مجلس، پنج نفر نماینده اقلیت‌های دینی هستند. طبق اصل ۶۴ قانون اساسی، زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده دارند. اقلیت‌ها نه تنها در مجلس حضور دارند، بلکه در جلسات غیرعلنی، که سزّی‌ترین مباحث نظام مطرح می‌شود نیز حاضرند.

اما در آمریکا مسئله کاملاً متفاوت است. مسلمانان بیش از ۲ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند و یهودیان کمتر از ۲ درصد، ولی ساختار آرا به صورتی است که مثلاً در سال‌های اخیر، فقط ۲ نماینده مسلمان در مجلس

۱. گزارش «وضعیت اسلام در فرانسه»، مجله/اسلام و غرب، مرداد ۱۳۷۸، شماره ۲۴.

۲. ima.ir/news/81502385

۳. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران

حضور داشته‌اند (که به دلیل مخالفت سیاستمداران تندرو با حضور آن‌ها در رأس ساختار سیاسی کشور، همواره با چالش‌های خاصی مواجه بوده‌اند)، در حالی که یهودیان، که کمتر از مسلمانان جمعیت دارند، ۳۸ نماینده در مجلس آمریکا دارند!

این مقایسه تنها گوشه‌ای از توجه جمهوری اسلامی به اقلیت‌ها، در مقابل ظلم آمریکا و کشورهای غرب را نشان می‌دهد.

۳) آزادی در غرب

حال که به بحث آزادی در ایران قبل و بعد از انقلاب پرداخته شد، بد نیست به آزادی بیان در کشورهای مدعی آزادی نیز اشاره شود.

اول آزادی بیان (برخورد با منتقدان)

مسئله آزادی بیان در اروپا (که همواره سعی می‌شود «مظهر آزادی» معرفی شود) نیز «کلی و نامحدود» نیست و قانون چارچوب آن را «تنظیم» می‌کند. در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است: «هرکسی حق آزادی عقیده و بیان دارد» اما این کنوانسیون تأکید می‌کند که افراد یک جامعه، همراه با این آزادی‌ها، وظایف و مسئولیت‌هایی نیز دارند که باید به منظور حفظ منافع ملی و امنیت عمومی، پیش‌گیری از جرم و ایجاد اختلال، حمایت از شهرت یا حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه و ... به آن مسئولیت‌ها پای‌بند باشند.

الف) آمریکا

محدودیت‌های آزادی بیان در آمریکا، که از سوی دادگاه عالی این کشور تبیین شده‌اند، شامل مواردی از این دست است: توهین به باورهای عامه^۱، پورنوگرافی

1. Obscenity

کودکان، سخنانی که موجب تحریک افراد به ارتکاب اقدامات غیرقانونی می‌شود و هرگونه تبلیغاتی که منجر به وقوع یکی از این موارد شود. دولت حق دارد در هر زمان و مکانی و با اتخاذ راهکارها و تصمیم‌های مناسب، با کسانی که بابت توجهی به این محدودیت‌ها، قانون رازیر پا گذاشته‌اند برخورد کند.

همچنین جمع‌آوری و انتشار اطلاعات و مدارک مربوط به امنیت ملی، جزو مصداق‌های آزادی بیان محسوب نمی‌شود و حتی در صورتی که انتشار آن‌ها آسیبی به امنیت ملی آمریکا وارد نکند، جرم محسوب می‌شود. علاوه بر این، جمع‌آوری و انتشار اطلاعاتی که با وجود نظامی یا امنیتی نبودن، امکان برهم زدن نظم و امنیت عمومی را دارند در آمریکا ممنوع است. این اطلاعات ممکن است شامل عکس یا فیلم باشند. این جرائم حتی شامل حال کسانی که از قصد فرد یا افرادی برای جمع‌آوری، تولید و انتشار چنین اطلاعاتی با خبر هستند نیز می‌شود. بر همین اساس، دولت و کنگره آمریکا با افشاگری‌هایی که نشان از کاستی یا اقدامات غیرقانونی آن‌ها با توجیه تأمین امنیت ملی دارند، سرسختانه برخورد می‌کنند. طی سال‌های گذشته، کسانی مانند ادوارد اسنودن، جولیان آسانژ، چلسی مَنینگ و دانیل اِسپرگ افشاگرانی بوده‌اند که با اطلاع از اعمال غیرقانونی صورت گرفته در ارتش یا سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا سعی کردند با آگاه ساختن جامعه آمریکا در این خصوص به روشن‌گری بپردازند، ولی اقدام همه این افراد از سوی دولت و به موجب قوانین ذکر شده محکوم شد و آن‌ها در دادگاه‌های علنی و غیرعلنی، به جرائمی نظیر سرقت، اقدام علیه امنیت ملی آمریکا یا حتی همکاری با دشمنان این کشور متهم و محکوم شدند. همچنین در صورتی که اظهارنظرهای برخی افراد در اینترنت مغایر با استانداردهای امنیتی مورد نظر مدیران اطلاعاتی آمریکا باشد، علیه این افراد پرونده‌هایی محرمانه تشکیل خواهد شد.

نمونه برخورد با منتقدان در آمریکا

در سال ۲۰۰۶، کتابی در آمریکا منتشر شد که تأثیر مهمی بر دست‌کم برخی از جریان‌های مهم سیاسی آمریکا و غرب گذاشت. نویسنده این کتاب جیمز رایزن^۱ بود، خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز، که پیش از این، در حوزه روزنامه‌نگاری، برنده جایزه پولیتزر شده بود و از این روش‌شناسی محترم و وزین محسوب می‌شد. در کتابی که او در این سال، با عنوان وضعیت جنگ منتشر ساخت، با جسارت و شجاعتی مثال‌زدنی، به افشای پروژه‌ای پرداخت که براساس آن، سازمان جاسوسی سیا قصد داشت به نحوی با ارسال اطلاعاتی ساختگی به ایران (از طریق واسطه‌ها و مستند ساختن آن) اثبات کند که ایران برنامه‌ای برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای دارد. رایزن، که به خطرات ناشی از افشای این اطلاعات در کشور خود واقف بود، با انتشار این کتاب، دست به کار خطرناکی زده بود. او می‌دانست که قطعاً با این اقدام، سازمان سیا از هیچ اقدامی برای مقابله با وی، از تهدید شخصی گرفته تا کشاندن او به دادگاه برای بی‌اعتبار ساختن او، دریغ نمی‌ورزد. اما چنانکه وی در این کتاب و نوشته‌های بعدی خود به صراحت توضیح داده‌است، هدف او از نوشتن این کتاب فقط دور کردن سایه تهدید و جنگ از کشور خودش بود. رایزن توضیح می‌دهد که به‌عنوان یک روزنامه‌نگار محقق، در تماس‌هایی که با مقامات بلندپایه دولت و سازمان سیا در آن زمان داشت، مطمئن بود که آمریکا به دنبال سندسازی علیه ایران و طراحی یک حمله نظامی به این کشور است.

همان‌طور که رایزن پیش‌بینی کرده بود، سازمان سیا، با تمامی کنترل‌هایی که اعمال کرد، ابتدا یکی از مأموران سازمان خود به نام استرلینگ (که این اطلاعات را به رایزن داده بود) را شناسایی کرد و به دادگاه تحویل داد. در نهایت

1. James Risen

دادگاه استرلینگ را به چندین سال حبس محکوم کرد. همهٔ این اخبار و وقایع در حالی است که سه ماه پیش از این، یک قاضی فدرال، جیمز رایزن را به دادگاه احضار کرده بود تا در مورد انتشار موضوع شکست عملیات سیا برای انتقال اطلاعات مخدوش هسته‌ای به ایران در کتابش پاسخ دهد.

به گفتهٔ خبرگزاری رویترز، پروندهٔ روی میز قاضی فدرال دربارهٔ این خبرنگار، به معیار سنجش آزادی رسانه‌ها در آمریکا تبدیل شده است.^۱

ب) فرانسه

در فرانسه، قانون مطبوعات سال ۱۸۸۱ حدود آزادی بیان را مشخص می‌کند و آن را، طبق قاعدهٔ عقلی «عدم ضرر به آزادی‌ها و افراد دیگر»، قاعده‌ای خدشه‌ناپذیر می‌داند. در صورتی که انتشار یک خبر یا نظر باعث آسیب رساندن به فرد یا افراد دیگر شود یا شخصی را علیه دیگری تحریک کند، دولت به منظور حفاظت از حقوق دیگران و حفظ نظم عمومی، اختیار مداخله برای جلوگیری از انتشار بیشتر آن را دارد. البته این کار در فرانسه، همیشه پس از انتشار رخ می‌دهد و نظارت «پسینی» است.

در مادهٔ ۱۱ اعلامیهٔ حقوق بشر سال ۱۷۸۹ فرانسه آمده است:

«همهٔ شهروندان حق اظهار نظر و صحبت و انتشار آزادانه دارند، مگر این که از این آزادی، در موارد تعیین شده توسط قانون سوء استفاده کنند.»

نمونهٔ برخورد با منتقدان در فرانسه

در فرانسه، برخورد با کوچک‌ترین انتقاد، خصوصاً از یهودیان، مجازات‌های مختلفی به همراه دارد. برای نمونه، روزنامهٔ تلگراف انگلیس در ۲۷ ژانویهٔ ۲۰۰۹

1. https://www.nbcnewyork.com/news/nationalinternational/ex.cia.officer.charged.with.leak.to_reporter/1937626

گزارش داده‌است: «موریس سینت، کاریکاتوریست شارلی ابدو، به جرم انتشار مطلبی دربارهٔ پسر نیگلا سارکوزی، نخست‌وزیر وقت فرانسه، که از نظر مجله «یهودی‌ستیزانه» بوده، اخراج می‌شود. این نویسنده پس از آن، به جرم برانگیختن نفرت علیه یهودی‌ها نیز محاکمه می‌شود.» در ادامه، این روزنامه می‌نویسد:

«فکر می‌کنید توهین این کاریکاتوریست به پسر سارکوزی چه بوده‌است؟ بعد از ازدواج پسر سارکوزی با دختری از یهودیان ثروتمند فرانسوی، این کاریکاتوریست می‌نویسد: "این پسر به زودی مدارج ترقی را طی خواهد کرد." این جمله موجی از اعتراض سیاست‌مداران فرانسوی را برمی‌انگیزد. سردبیر مجله هوادار آزادی بیان شارلی ابدو از او می‌خواهد عذرخواهی کند. او نمی‌پذیرد و اخراج می‌شود.»^۱

نکتهٔ بسیار مهم این است که روزنامهٔ شارلی ابدو، به اسم آزادی بیان، بزرگ‌ترین توهین‌ها را به پیامبر گرامی اسلام ﷺ کرده‌است!

همان‌طور که در نمونه‌های بالا ذکر شد، مسئلهٔ «آزادی بیان» و «آزادی پس از بیان» در هیچ‌یک از کشورهای جهان، به صورت مطلق و نامحدود اجرایی نمی‌شود و این «قانون» است که چارچوب‌های آزادی بیان را برای افراد و شهروندان جامعه معین می‌کند.

فارغ از موارد بسیاری که غرب از آزادی به‌عنوان پوششی برای بسط سانسور بهره برده‌است، این واقعیت، که آزادی در چارچوب قانون معنا دارد و خارج از این چارچوب امکان وقوع و تحقق ندارد، اصل و قاعده‌ای عقلانی، منطقی، غیرقابل‌خدشه و گریزناپذیر در همهٔ جهان است.

نکتهٔ قابل‌توجهٔ برخورد دوگانهٔ غرب با مسئلهٔ آزادی است؛ اگر در ایران، مردم در خیابان‌ها تجمع کنند، عمل آن‌ها «دفاع از حقوق» است و برخورد حکومت

1. telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/france/4351672/French.cartoonist.Sine.on.trial.on.charges.of.anti.Semitism.over.Sarkozy.jibe.html

محکوم می‌شود، اما اگر همین اتفاق در کشورهای غربی صورت بگیرد، «شورش خیابانی» لقب می‌گیرد و حکومت حق برخورد دارد و بدتر از آن این است که برخورد حکومت در امپراتوری رسانه‌ای انعکاس نخواهد داشت.

پ) مقایسه برخورد با معترضان در ترکیه و آمریکا با ایران

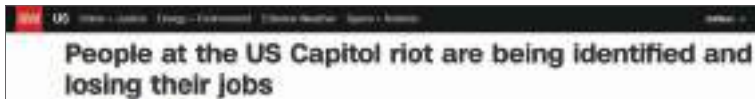
در کشورهای مدعی آزادی، هرگاه حاکمان تاج و تخت خود را در خطر ببینند، معنای آزادی را عوض کرده و به بدترین صورت با مخالفان برخورد می‌کنند. مثلاً در ترکیه، در سال ۲۰۱۶، کودتای نافرجامی رخ داد. دولت وقت ترکیه پس از کودتا، ۳۰ استاندار (از مجموع ۸۱ استان)، ۲۷۴۵ قاضی و دادستان (همراه با مصادرهٔ اموال و املاک ایشان به نفع دولت)، ۱۷۵۵ رئیس و معاون رئیس دانشگاه، ۴۹۲ نفر از کانون مذاهب، ۳۰۰ کارمند وزارت امور اجتماعی، ۲۷۵ کارمند دفتر ریاست جمهوری، ۲۵۴ کارمند وزارت ورزش و جوانان، ۱۸۴ کارمند وزارت اقتصاد، ۱۸۰ کارمند وزارت اطلاعات، ۱۵۲۰۰ معلم و کارمند وزارت فرهنگ، ۲۱۷۰۰ معلم غیردولتی، ۱۳۰۰ کارمند وزارت کار و ۹۰۰۰ کارمند وزارت داخله را اخراج و تمامی آکادمیسین‌ها^۱ را تا اطلاع ثانوی ممنوع‌الخروج اعلام کرد. دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیهٔ ۲۰۱۶، بیش از ۱۸۰۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کرد که از این تعداد، ۷۵۰۰ نفر ارتشی و ۱۴۰ نفر قاضی دیوان عالی کشورند. در تاریخ ۲۶ ژوئیهٔ ۲۰۱۶، دولت حکم جلب و حبس ۴۲ روزنامه‌نگار معروف را صادر کرد. به علاوه دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیهٔ ۲۰۱۶، گذرنامهٔ بیش از ۵۰۰۰۰ نفر را باطل کرد تا نتوانند کشور را ترک کنند.^۲

همچنین در ماجرای حمله به کنگرهٔ آمریکا، بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰، شبکهٔ سی/ان/ان گزارش داد:

۱. عضو تمام وقت یک فرهنگستان

۲. روزنامهٔ آلمانی زودویچه تسایتونگ (Suddeutsche Zeitung)، ۲۸ ژانویهٔ ۲۰۱۶.

«چند روز بعد از هجوم طرفداران دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، به کنگره، بعضی از عوامل خشونت در ساختمان «کپیتول هیل»، در حال شناسایی از سوی پلیس فدرال آمریکا هستند و تصاویر آن‌ها در حال انتشار در شبکه‌های اجتماعی است و هم‌زمان با شناسایی آن‌ها در بحران روز چهارشنبه در کنگره، از کار خود اخراج شده‌اند یا در حال اخراج شدن و ترک مشاغل خود هستند.»^۱



تصویر ۱۴۱: ... گزارش CNN از شناسایی معترضین ساختمان کپیتول هیل و اخراج آنها از مشاغل خود

حتی کِلِت کِلِر، شناگر تیم ملی آمریکا و دارنده ۵ مدال المپیک، به خاطر حضور بین معترضان کنگره بازداشت و از تیم ملی اخراج شد.

مناسب است این برخورد را با برخورد جمهوری اسلامی با فتنه عظیم سال ۸۸ مقایسه کنیم. جمهوری اسلامی تنها اقدامی که برای سران فتنه در نظر گرفت حصر خانگی بود. سعه صدر بی نظیر جمهوری اسلامی به اندازه‌ای بود که بسیاری از کسانی که در سال ۸۸ از فتنه حمایت کردند چهار سال بعد مهم‌ترین مسئولیت‌های حکومتی را در جمهوری اسلامی به دست گرفتند.

ت) انکار هولوکاست و مجازات‌های آن

تبلیغ شعار آزادی بیان توسط غرب، فقط ابزاری برای هجوم به کشورهای مختلف است، در حالی که انکار و یا حتی سؤال درباره برخی از مسائل، در کشورهای غربی، مجازات‌های شدیدی به دنبال دارد. یکی از مواردی که تشکیک در آن جرم محسوب می‌شود هولوکاست^۲ است. هولوکاست ادعایی است مبنی بر قتل عام و نسل‌کشی حدود ۱۱ میلیون نفر برپایه نژاد، مذهب، و ملیت، به ویژه ۶ میلیون یهودی اروپایی، در طی جنگ جهانی دوم و به دست آلمان نازی، که از

1. edition.cnn.com/2021/01/07/us/capitolriots.people.fired.jobs.trnd/index.html

2. Holocaust

سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ و در اردوگاه‌های مرگ اتفاق افتاد.

این ادعا و مسائل پشت‌پرده آن به قدری برای بیشتر سیاست‌مداران اروپایی مهم است که در بسیاری از کشورهای مهم، برای منکران این ادعا، مجازات‌های بسیار سنگینی در نظر گرفته شده است، به گونه‌ای که اتحادیه اروپا قانونی تصویب کرده است که به موجب آن، انکارکنندگان هولوکاست حبس می‌شوند.



تصویر ۱۴۲: ... تصویب قانون مجازات حبس توسط اتحادیه اروپا برای انکارکنندگان هولوکاست^۱

به عنوان مثال در یازده کشور دنیا (اتریش، بلژیک، جمهوری چک، اسرائیل، آلمان، فرانسه، لیتوانی، لهستان، رومانی، اسلواکی و سوئیس)، قوانینی علیه

1. <https://www.nytimes.com/2007/04/19/world/europe/19iht-eu.4.5359640.html>

انکار هولوکاست تصویب شده است؛^۱ مثلاً در اتریش، «انکار هولوکاست» جرم به شمار می‌رود و بنابر قوانین این کشور، تا ۱۰ سال حبس به همراه دارد یا^۲ در آلمان، انکار آشکار و حتی بی‌اهمیت کردن هولوکاست در ملأعام، یک جرم فدرال است و تا ۵ سال زندان به دنبال خواهد داشت.^۳

برخورد با منتقدان برجسته هولوکاست

تاکنون ده‌ها مورخ برجسته اروپایی و صدها استاد بلندآوازه و متخصص شناخته شده بررسی اسناد تاریخی، با ارائه اسنادی که هیچ صاحب‌نظری نمی‌تواند در صحت آن‌ها کمترین تردیدی کند، به روشی کاملاً علمی اثبات کرده‌اند که ماجرای قتل عام ۶ میلیون یهودی، کوره‌های آدم‌سوزی، اتاق‌های گاز و همه آنچه صهیونیست‌ها در این باره ادعا می‌کنند دروغ محض و داستانی ساختگی با اهداف نه‌فقط سیاسی، بلکه جنایت‌کارانه است.

از این دانشمندان و محققان، تمامی آن‌هایی که اروپایی بوده‌اند، بدون استثنا، به دادگاه کشیده شدند و تنها به دلیل این‌که تحقیقات علمی آنان با آنچه دولت‌های اروپایی درباره هولوکاست پذیرفته‌اند تفاوت داشته، به زندان و مجازات‌های مالی محکوم شده‌اند.

دولت‌های غربی به این سؤال پاسخ نمی‌دهند که چگونه می‌توان از سویی ادعای آزادی عقیده و اندیشه را داشت و در همان حال، اگر تحقیقات علمی و مستند دانشمندان با ادعای بی‌اساس و افسانه‌سرای صهیونیست‌ها تفاوت داشته باشد، این دانشمندان و محققان مستحق محاکمه، زندان و جریمه هستند؟!

1. nytimes.com /2007 /04 /19 /world /europe /19ihteu.4.5359640.html

2. bbc.com /persian /news /story /2006 /02 /060220_mv.irving.holocaust.trial.shtml

3. smartergerman.com /blog /holocaust.denial.crime.germany

دوم | نقد شاخص‌های آزادی در غرب

الف) انتقاد غربی‌ها از آزادی در ایران، به دلیل رعایت نکردن حقوق سیاسی هم‌جنس‌بازان

B4. Do various segments of the population (including ethnic, religious, gender, LGBT, and other relevant groups) have full political rights and electoral opportunities?
1/4

تصویر ۱۴۳: ... گزارش مؤسسه Freedom House از نداشتن آزادی هم‌جنس‌بازان در برخورداری از حقوق و موقعیت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران^۱

ب) قرار داشتن جمهوری اسلامی ایران در رتبه‌های پایین تراز حکومت استبدادی عربستان سعودی، از نظر آزادی



تصویر ۱۴۴: ... گزارش مؤسسه کاتوا از آزادی انسانی در کشورهای دنیا^۲

1. freedomhouse.org/report/freedom-world/2018/iran

2. object.cato.org/sites/cato.org/files/human-freedom-index-files/human-freedom-index-2018-revised.pdf

فصل هفتم

معنویت



۱) معنویت در دوران پهلوی

معنویت مهم‌ترین وجه تمایز نظام اسلامی و حکومت پهلوی است، به گونه‌ای که هدف اصلی حکام پهلوی مبارزه با دین و دین‌داری بود، ولی درمقابل هدف اصلی جمهوری اسلامی ترویج اسلام ناب محمدی است. حکومت پهلوی، با تمام توان، فحشا و ابتذال را ترویج و از مشروب‌فروشی‌ها، کاباره‌ها، قمارخانه‌ها و ... حمایت جدی می‌کرد.

سران پهلوی از سویی بی‌بندوباری و فحشا را ترویج می‌کردند و از سوی دیگر، با معنویت مبارزه جدی می‌نمودند. این مبارزه نه فقط در زمان رضاشاه، بلکه در زمان محمدرضا نیز به شدت ادامه داشت؛ مثلاً فرح کنگره زرتشتیان جهان را در ماه رمضان، در تهران برپا کرد و به همین مناسبت، مجلس پذیرایی مفصلی با شامپاین (شراب فرانسوی)، در کاخ سلطنتی برگزار کرد.^۱

در جشن هنر شیراز، به ریاست فرح پهلوی، در خیابان فردوسی شیراز، برنامه آمیزش جنسی زن و مرد را در ماه رمضان ۱۳۵۶، به صورت زنده و در ملأعام اجرا کردند. این جشن، که به تعبیر فرح، "به منظور بزرگداشت هنر و هنرمند ایرانی، شناساندن هنر قدیم و جدید ایران به ایرانیان و خارجیان و نیز برای

۱. ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، *خاطرات دو سفیر*، ص ۲۹۰.

پاس داشت هنرمندان خارجی و نمایاندن شیوه کار آنان به ایرانیان " طراحی و اجرامی شد، چیزی جز ابتدال و صحنه‌های مستهجن نبود.

آنتونی پارسونز در دیدار با شاه، برای نشان دادن عمق فاجعه‌ای که در جشن هنر شیراز می‌گذشت، به او می‌گوید:

«جشن هنر سال ۱۳۵۶ شیراز، از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان، از جشن هنر پیشین فراتر رفته بود. به عنوان مثال [...] یکی از صحنه‌هایی که در پیاده‌رو اجرا می‌شد تجاوز به عنف بود که به طور کامل، نه به طور نمایشی و وانمودسازی، به وسیله یک مرد کاملاً عریان یا بدون شلوار. درست به خاطر ندارم. با یک زن، که پیراهنش به وسیله مرد متجاوز چاک داده می‌شود، در مقابل چشم همه صورت گرفت. ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراضی که علیه این نمایش برخاست به مطبوعات و تلویزیون هم رسید. من به این خاطر، موضوع را با شاه در میان گذاشته و به او گفتم: "اگر چنین نمایشی به طور مثال، در شهر وینچستر انگلیس اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به در نمی‌بردند!" شاه مدتی خندید و چیزی نگفت.»^۱

باری روبین، تحلیل‌گر آمریکایی، می‌نویسد:

«در دوران سلطنت پهلوی، در عرضه و معرفی فرهنگ و تمدن غربی به مردم ایران، بدترین و مبتذل‌ترین جنبه‌های این فرهنگ انتخاب شد که ضربه حاصل از آن، برای جامعه مذهبی و سنت‌گرای ایران تحمل‌کردنی نبود. فیلم‌های آمریکایی، که بیشتر از انواع مبتذل آن بودند، بیش از ۳۰ درصد برنامه‌های تلویزیونی و پرده‌های سینماها را اشغال کرده بود و آیت‌الله خمینی با اشاره به همین فیلم‌ها، سینما و تلویزیون را عامل اشاعه فساد و فحشا در ایران معرفی می‌کرد.»^۲

لیلی امیرارجمند، از دوستان قدیمی فرح پهلوی و از فاسدترین زنان دربار، مسئول کانون پرورش فکری کودکان شد تا کودکان این سرزمین زیر نظر چنین فردی آموزش ببینند. پیشاهنگی دختران به ریاست شمس پهلوی

۱. آنتونی پارسونز، غرور و سقوط؛ خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران، ص ۹۱.

۲. باری روبین، جنگ قدرت‌ها در ایران، ص ۱۹۴.

نیز چیزی جز مرکز فساد و فحشا نبود. تدین، وزیر معارف (= فرهنگ) زمان رضاشاه، پس از شهریور ۱۳۲۰، چنین گفته است:

«وزارت فرهنگ، که در ابتدای دوره رضاشاه به نام وزارت معارف بود، طوری شده بود که هدف آن تحصیل نبود. [...] من با پیشاهنگی مخالف نیستم، اما با این پیشاهنگی [ای] که فقط به منظور تظاهر و مسخره بازی درست شده بود مخالف بودم. من حاضر نبودم جوانان را به دست اشخاص ناصالح بسپارم که آن‌ها را به کوه و بیابان به گردش ببرند. آن‌ها استخر درست کرده و دختران را در حضور مردم لخت می‌کردند. ناموس مملکت وقتی خواست در استخر عمومی و در حضور مردم شنا کند، این دیگر به درد مملکت نمی‌خورد! این خلاف عفت و شرافت است.»^۱

همچنین فرخ‌رو پارسا، وزیر آموزش و پرورش در دولت هویدا، در تربیت و پرورش فرزندان ایران، چنین دیدگاهی داشت:

«بکارت برای دختران چه معنا دارد؟! مگر در اروپا و آمریکا دختران باکره هستند؟»^۲

دانشکده هنرهای زیبا در سال ۱۳۴۳ ش، طی بخش نامه‌ای، میزان دستمزد مدل‌های زنده و حتی عریان برای رشته‌های نقاشی و مجسمه‌سازی را به این قرار اعلام کرده بود:

- مدل چهره مرد: هر ساعت ۱۰۰ ریال؛
- مدل چهره زن: هر ساعت ۱۰۰ ریال؛
- مدل زن تمام تنه بالباس: هر ساعت ۱۵۰ ریال؛
- مدل برهنه مرد: هر ساعت ۲۰۰ تا ۳۰۰ ریال؛
- مدل برهنه زن: هر ساعت ۲۵۰ تا ۴۰۰ ریال.^۳

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در پاسخ به درخواست

۱. علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص ۴۸.

۲. محمد حسن طباطبایی، نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی دهه ۱۳۴۰، ص ۲۰۹.

۳. نک: محمد حسن طباطبایی، نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی دهه ۱۳۴۰، ص ۱۳۷.

شهریانی، در سال ۱۳۵۵، برای جلوگیری از ورود دختران چادری به دانشگاه پیشنهاد کرد با مسخره کردن این دخترها و هو کردن کلاغ سیاه و نظیر آن کاری کنند که نتوانند با چادر به دانشگاه بیایند.^۱

وضعیت فساد در دوران پهلوی به حدی بود که ژان لوروریه، روزنامه‌نگار فرانسوی، می‌نویسد:

«اگر در کوچه و خیابان از ایرانیان بپرسید که چرا رژیم را مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند و جواب آن‌ها را جمع کنید، فساد و انحطاط اخلاقی رژیم در ردیف اول پاسخ آن‌ها خواهد بود.»^۲

یکی از آرزوهای خاندان پهلوی از بین بردن معنویت در ایران بود، تا جایی که مجله زن روز در ۱۷ دی ۱۳۵۶، به مناسبت سالروز کشف حجاب، در مصاحبه‌ای با اشرف پهلوی، مطلب عجیبی از او نقل می‌کند. اشرف در پاسخ سؤال منصوره پیرنیا، که می‌پرسد «شما آینده زن ایرانی را چطور پیش بینی می‌کنید؟»، جمله‌ای می‌گوید که تیترو روزنامه‌های آن روز نیز می‌شود:

«کاری خواهیم کرد که تا چند سال آینده، در کتابخانه‌های ایران، وقتی کتاب لغتی برداشته شد، در بخش حروف «چ» و «ح» دو واژه «چادر» و «حجاب» حذف شده باشد.»^۳

این اظهارنظرها برآمده از اعتقاد واقعی سردمداران رژیم پهلوی و برنامه اصلی و محوری آن‌ها بود که هم در اقدامات و هم در اظهارنظر آن‌ها نمایان بود. گزارش و سندی که نیویورک تایمز از نامه‌نگاری میان محمدرضا پهلوی با شاه وقت سعودی ارائه می‌دهد هیچ تردیدی در این زمینه باقی نمی‌گذارد.

در سال ۲۰۰۱، شاهزاده بندرین سلطان، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن،

۱. نک: علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۲. ژان لوروریه و احمد فاروقی، ایران برضد شاه، ترجمه مهدی نراقی، ص ۱۰۳.

۳. مجله زن روز، ۱۷ دی ۱۳۵۶.

در گفت‌وگویی که با نیویورک‌تایمز انجام می‌دهد، دربارهٔ مقایسهٔ عربستانِ امروز و ایرانِ زمانِ شاه می‌گوید:

«در سال‌های پایانی دههٔ ۱۹۶۰، شاه ایران تعدادی نامهٔ محرمانه به ملک فیصل، پادشاه عربستان، نوشت. وی در یکی از آن‌ها نوشته بود: "برادرم! از تو خواهش می‌کنم دست به مدرنیزاسیون بزن. درهای کشور خود را باز کن. آموزشگاه‌های مختلط پسر و دختران را باز بگذار. دیسکو برگزار کن. مدرن باش، وگرنه تضمین نمی‌کنم که بتوانی تاج‌وتخت خودت را نگه داری." ملک فیصل نیز در پاسخ گفته بود: "اعلی‌حضرت! من از راهنمایی شما سپاس‌گزارم. بگذارید یادآوری کنم که شما شاه فرانسه نیستید. در الیزه هم زندگی نمی‌کنید. شما در ایران هستید. ۹۰ درصد جمعیت کشور شما مسلمان است. لطفاً این را فراموش نکنید."»^۱

شاهِ مردمِ مسلمانِ ایرانِ مقابله با دین و مظاهر آن را جزو اولویت‌های خود می‌دانست.

هنگامی که دستور منع حجاب در مدارس صادر شد، فقط مدارس ملی - اسلامی از این دستور پیروی نمی‌کردند، ولی چیزی نگذشت که وزیر آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۲، طی بخش‌نامه‌ای دستور داد که پوشیدن چادر برای دختران دبیرستان ممنوع است. آیت‌الله خوانساری از این تصمیم رژیم سخت‌عصبانی شد. عَلم مراتبِ عصبانیتِ آیت‌الله را به شاه گزارش داد و شاه در پاسخ گفت:

«ما این دستور را لغو نمی‌کنیم، حتی اگر منجر به تعطیل شدنِ مدارس شود.»^۲

شاه چند روز بعد مجدداً به نخست‌وزیر دستور داد:

«دانش‌آموزانِ دبیرستان‌های به اصطلاح اسلامی اجازه ندارند در مدارس چادر به سر بکنند.»^۳

1. nytimes.com/2001/11/04/world/a-nation-challenged-ally-s-future-us-pondering-saudis-vulnerability.html

۲. امیراسدالله علم، گفتگوهای من و شاه؛ خاطرات محرمانهٔ امیراسدالله علم، ج ۲، ص ۵۰۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۰۸.

وضعیت فساد به حدی بود که دیدن بیست سی نفر دانشجوی چادری باعث وحشت علم شده بود. وی در خاطرات خود می‌نویسد:

«شاه از من به خاطر سخنانی دیروزم در دانشگاه پهلوی شیراز تمجید کرد. به او گفتم که چه استقبال گرمی از من به عمل آمده بود؛ ۳,۰۰۰ دانشجو در استودیوم ورزشی دانشگاه اجتماع کرده بودند. البته از دیدن این همه دختر با چادر وحشت کردم. در زمان خودم در مقام ریاست دانشگاه، چادر کمابیش منسوخ شده بود؛ هر دختری که می‌خواست آن را به سر کند تحقیر می‌شد. لکن در کنفرانس دیروز، بیست سی نفر [چادری] بودند. مناسب ندیدم که در آن لحظه اظهار نظری بکنم. ضمناً به من اطلاع داده شد که بعضی از این دختران، از دست دادن با فرهنگ مهر، رئیس جدید دانشگاه، خودداری کردند و مدعی بودند که اسلام هر نوع تماس جسمانی با جنس مخالف، خارج از چارچوب ازدواج را ممنوع کرده است. شاه خیلی اوقاتش تلخ شد.»^۱

در زمان حکومت پهلوی، هرچه در علم و فن و فضیلت کشور را عقب نگه داشته بود، اما در گسترش و ایجاد پایگاه و زمینه‌های فساد پیشتاز بود؛ به‌عنوان نمونه:

- تعداد زنان دانشگاهی (۱۲,۸۸۴ نفر)^۲ کمتر از یک‌سوم تعداد زنان بدکاره (۵۰,۰۰۰ نفر)^۳ بود.
- تعداد کتابخانه‌های کل کشور (۲۹۰ کتابخانه)^۴ کمتر از یک‌سوم تعداد مشروب‌فروشی‌های فقط شهر تهران (۸۰۰ باب مغازه)^۵ بود.
- میزان مصرف آبجو روزانه در شهر تهران، ۴۰۰,۰۰۰ بطری بود و این در حالی بود که

۱. همان، ج ۲، ص ۷۷۲.

۲. سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۳. سید جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۴۰.

۴. نهاد کتابخانه‌های کشور

۵. سید جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۳۹.

- تعداد کتاب‌های منتشرشدهٔ کل سال در کشور، تنها ۲۰ عنوان کتاب^۱ بود.
- تعداد دانشگاه‌های کشور (۲۲۳ دانشگاه)^۲ کمتر از یک پنجم تعداد خانه‌های فساد (۱،۱۲۰ مرکز)^۳ بود که برخی از آنان در جهان سرآمد بودند، مانند کابارهٔ شکوفهٔ نو، که یکی از چهار کابارهٔ معروف جهان بود.
 - در دورانی که در ایران، به ندرت کارخانه‌ای دیده می‌شد، ۴۰ کارخانهٔ تولید مشروبات الکلی وجود داشت که در ۸۰۰ مرکز فروش مشروبات عرضه می‌شد.^۴
- شاهان پهلوی و درباریان سعی در غربی‌سازی فرهنگ ملی - مذهبی کشور داشتند. از این رو از هیچ فرصتی برای ترویج فرهنگ کشورهای غربی و تخریب اعتقادات ملی - مذهبی فروگذار نکردند. تغییر مبنای تقویم از هجری به شاهنشاهی، از جمله نمونه‌های بارز این مبارزه بود. با ظهور انقلاب اسلامی، بازگردانی مفاهیم غنی ملی و دینی در دستورکار متولیان امر قرار گرفت و برخلاف دوران پهلوی، که ملاک نام‌گذاری‌ها اغلب مفاهیم قدرت‌مآبانه و لذت‌طلبانه بود، در این دوران، موضوعات مرتبط با مبانی اسلامی و اخلاقی ملاک نام‌گذاری قرار گرفت.

مثلاً قبل از انقلاب، روز تولد رضاشاه روز پدر نام‌گذاری شده بود، ولی بعد از انقلاب، روز میلاد اسوهٔ تقوا، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، روز پدر نام گرفت. همچنین روز دعا برای سلامتی شاه در ۲۱ فروردین، یعنی روزی که شاه در سال ۱۳۴۴ از ترور جان سالم به در برد، و ۱۵ بهمن، روز رفع خطر از شاه در سال ۱۳۲۷، از تقویم و فرهنگ ایرانیان حذف شد و با توجه به آموزه‌های اسلام، روزهای عرفه و شب‌های قدر

۱. البته طبق خوش‌بینانه‌ترین آمار، این عدد ۱،۵۰۰ عنوان هم ذکر شده است (مصاحبه با مسئول اسناد کتابخانهٔ ملی، فروردین ۹۷).

۲. ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ص ۴۱.

۳. گزارش مقایسهٔ عملکرد وزارت علوم از ۵۷ تا ۹۴، به نشانی: public.msrt.ir/file/download/page/1485695853-1394-1357.pdf

۴. سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۳۹.

۵. ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ص ۴۱.

برای دعا و نیایش انتخاب شدند. روزهای جشن هم از ۲۸ مرداد (به مناسبت کودتای ۲۸ مرداد)، ۲۵ شهریور (روز آغاز سلطنت محمدرضا پهلوی)، ۶ مهر (به مناسبت سالروز سروش آریامهر)، ۲۱ مهر (روز تولد فرح)، ۱۴ آبان (روز تولد شاه)، ۱۶ آبان (روز تولد ولیعهد)، ۶ بهمن (به مناسبت انقلاب شاه و ملت) و ۳ اسفند (به مناسبت کودتای ۳ اسفند) به روزهای جشن‌های ملی، مانند نوروز و پیروزی انقلاب اسلامی، و جشن‌های مذهبی، مثل مبعث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اعیاد اسلامی و میلاد ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، تغییر کرد.

خودباختگی درباریان حتی در انتخاب نام میادین شهرها نیز نمایان بود و بیشتر میدان‌های مهم شهرها، به نام سردمداران مستکبر دولت‌های استعماری نام‌گذاری شده بود. از سوی دیگر، شاه و درباریان همواره سعی در نفوذ در باور مردم داشتند، به حدی که فقط در تهران، ۶۶ خیابان به نام شخص شاه یا خاندان پهلوی بود. جمهوری اسلامی نیز با تغییر نام این میدان‌ها سعی کرد فرهنگ ایثار و آزادی‌خواهی و انقلابی‌گری را ترویج دهد. از این میان می‌توان به تغییر نام خیابان «الیزابت دوم» به «کشاورز»، «آیزن‌هاور» به «آزادی»، «روزولت» به «مبارزان» و بعد «شهید مفتح»، «کِنِدی» به «توحید»، و «چرچیل» به «بابی‌ساندز» اشاره کرد.

در حال حاضر، بیشتر مؤسسات و مراکز علمی و فرهنگی به نام ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، علما، شهدا و شخصیت‌های انقلابی و مذهبی نام‌گذاری شده‌اند. طرح‌های نظامی و عملیات‌های رزمی هم قبل از انقلاب، به نام حیوانات وحشی نام‌گذاری می‌شد، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، همه این نام‌ها به آرمان‌های بزرگ انسانی تغییر کردند. انقلاب اسلامی با نام‌گذاری ارزشی ایام، عنصر زمان را بستر رشد و تذکر فضایل دینی در جامعه کرد، مانند دهه بصیرت، دهه فجر، هفته دفاع مقدس، هفته بسیج مستضعفین، روز مادر، روز دختر، روز جوان و روز معلم.

۲) معنویت در جمهوری اسلامی

اما نقطهٔ مقابل تفکر پهلوی، معنویت‌گرایی و اصالت‌بخشی به معنویت در جمهوری اسلامی است. رهبران انقلاب معنویت را، که در دوران پهلوی کم‌رنگ شده بود، برنامهٔ اصلی خود قرار داده‌اند. نکتهٔ مهم این است که گرایش بسیاری از جوانان، در دوران پهلوی، به سمت بی‌دینی بود. مقام معظم رهبری علیه‌السلام وضعیت دین‌داری قبل از انقلاب را این‌گونه بیان می‌فرماید: «عزیزان من! من این راهمین جا بگویم که دست‌هایی. تبلیغات دروغین و گاهی احمقانه و گاهی خبیثانه. می‌خواهند این طور وانمود کنند که مردم در سابق، از حالا دین‌دارتر و با اخلاق‌تر بودند. این دروغ است! سابق یعنی چه وقت؟ یعنی دویست سال قبل؟ بله، ممکن است، البته آن را هم ما چیزهایی شنیده‌ایم؛ ندیده‌ایم. آن سابقی که ما یادمان است، پنجاه سال قبل، چهل سال قبل، سی سال قبل، انسان که در ماه رمضان به شهر تهران وارد می‌شد، اصلاً حال و هوای روزه در این شهر نبود! مردم راه می‌رفتند و راحت سیگار می‌کشیدند، غذا می‌خوردند، ساندویچ می‌خوردند! اصلاً کسی احساس نمی‌کرد که اینجا روزه است! مشهد، که شهری مذهبی بود.. ما در مشهد بودیم. مردم راحت و علنی روزه می‌خوردند، کائو در بعضی از بخش‌های شهر، اصلاً ماه رمضان نیامده است! در مساجد، ظهرِ ماهِ رمضان، در غالب مساجدی که انسان سر می‌زد و می‌رفتیم، می‌دیدیم پنجاه نفر، چهل نفر، حداکثر صد نفر جمعیت نشسته بودند، مگر این که در جایی، یک منبری معروفِ خوش‌بیانی باشد!

«امروز شما نگاه کنید: همه جا روزه‌دار است، همه جا در حال ذکر و در حال توجه است و بهترین روزه‌داران از میان جوانان‌اند. جلسات قرآن، جلسات دعا، جلسات توسل، جلسات تضرع و سخنرانی‌های طولانی هست. اصلاً آیا با گذشته قابل‌مقایسه است؟ اعتکاف نیز همین‌طور بود. اصلاً اعتکاف در گذشته خیلی کم بود، سخت بود، کار مشکلی بود. باید سه روز روزه می‌گرفتند، در مسجد می‌ماندند و از مسجد

بیرون نمی رفتند؛ همه کس حاضر نبود.

«امروز جوانان ما در دنیایی که نسل جوان روزبه روز رو به فسادِ بیشتر می رود، در این مملکت، روزبه روز پاکیزه تر، طاهرتر و نورانی تر می شوند. آن وقت تبلیغات استکباری این کشور و این جوانان، این دانشگاه، این دانشجو و این استاد دانشگاه و نیز این طبقاتِ گوناگون مردم را، که همه سعی می کنند به خدا نزدیک شوند و خودشان را بیشتر با اسلام و احکام اسلامی منطبق کنند، می کوشد این گونه وانمود کند که از اسلام دور شده اند!»^۱

انقلاب اسلامی، که تمام تلاش خود را در جهت سوق دادن مردم به سمت معنویت قرار داده است، با چالش های جدی روبه رو شد، مشکلاتی که تا چهل سال پیش و شاید تا همین بیست سال پیش وجود نداشت، مشکلاتی مانند:

۱. گسترش فساد در جهان؛
۲. گسترش روزافزون رسانه های صوتی و تصویری، مانند ماهواره با کانال های بسیار متنوع، اینترنت و جلوه های بسیار بالا و ... در جهان؛
۳. آسان شدن دسترسی به هرگونه محصول مبتذل؛
۴. فراوانی مجموعه های مبتذل، مانند سواحل خاص، مراکز ارائه سکس، مراکز ارائه کنسرت و رقص و ...؛
۵. آسان شدن مسافرت به کشورهای دنیا، به کمک وسایل نقلیه مدرن؛
۶. تهاجم برنامه ریزی شده از سوی قدرت های جهانی، برای ایجاد فساد در جمهوری اسلامی ایران؛
۷. و ده ها عامل مشکل ساز دیگر.

شرایط اکنون با قبل از انقلاب اسلامی بسیار متفاوت است؛ بسیار فرق است میان جامعه ای که مردم آن یا تلویزیون ندارند و یا اگر هم دارند، کارایی خاصی ندارد، با زمانی که در آن، شبکه های ماهواره ای و سایت های اینترنتی در تمام

۱. بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.

نقاط کشور، حتی روستاها و مناطق محروم، نفوذ کرده‌اند و با ایجاد فضایی بسیار متنوع، همه امکانات ابتدایی در نسل جوان را فراهم ساخته‌اند. در این فضا، نه تنها افراد معمولی دائماً در معرض خطر ابتلا هستند، بلکه کمتر مؤمنی پیدا می‌شود که بتواند خود را از آسیب‌های ویران‌گر این فضای مبتذل، به طور کامل حفظ کند.^۱

اما با همه این موانع و مشکلات، باز هم مردم، به ویژه جوانان، در مسیر دین‌داری قدم برمی‌دارند که به عنوان نمونه، به برخی از اقدامات آن‌ها اشاره می‌شود.

اول اگسترش کمی و کیفی تشکل‌های مذهبی

۱. تأسیس خودجوش بیش از ۹۰,۰۰۰ هیئت مذهبی بعد از انقلاب اسلامی و حضور جوانان عاشق اهل بیت در آن‌ها و وجود بیش از ۶۴۰,۰۰۰ مداح در ایران و استقبال جوانان از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام؛
۲. برگزاری هزاران جلسه خانگی، اعم از روضه‌ها، مجالس قرآنی و ...

دوم | پاس‌داشت مناسبات و شعائر مذهبی

۱. استقبال گسترده جامعه از انجام شعائر اسلامی و انقلابی، با تأسیس و تجهیز ۷,۵۲۸ حسینیه در سراسر کشور؛
۲. حضور سالانه بیش از ۸۰۰,۰۰۰ نفر جهت برگزاری مراسم اعتکاف، در بیش از ۵,۵۰۰ مسجد کشور؛
۳. حضور میلیونی مشتاقان ابا عبدالله علیه‌السلام در اجتماع اربعین حسینی، در کربلا؛
۴. برپایی جشن‌های مردمی، از جمله جشن باشکوه عید غدیر؛
۵. برگزاری مراسمات عزاداری اهل بیت، به ویژه سید و سالار شهیدان علیه‌السلام، با جمعیت انبوه میلیونی؛

۱. محمد نجفی، نظام ولایت فقیه، نظام علوی یا مهدوی، ص ۱۰۹.

۶. برپایی مراسم شهادت حضرت زهرا علیها السلام (قبل از انقلاب اسلامی، تقریباً فراموش شده بود)؛
۷. برپایی جشن‌های مردمی دهه کرامت در ۲,۰۰۰ نقطه کشور؛
۸. برگزاری مردمی صدها برنامه وحدت بخش در سراسر کشور، در هفته وحدت؛
۹. برگزاری دعا‌های ندبه، کمیل، عرفه، توسل و... با تجمعات میلیونی؛
۱۰. برگزاری ده‌ها میلیون مراسم شب‌های قدر؛
۱۱. حضور میلیونی مادران به همراه کودک شیرخوار در همایش شیرخوارگان حسینی، در بیش از ۴,۰۰۰ شهر و روستا و ۸۳۹ بقعه متبرک کشور؛
۱۲. طنین انداز شدن شعارهای «یا علی»، «یا حسین»، «یا زهرا» و «یا ابوالفضل» در مسابقات بین‌المللی ورزشی؛
۱۳. حضور ۱۲,۰۰۰ نفر از زنان ورزشکار به صورت محجبه، در مسابقات بین‌المللی، با وجود تبلیغات گسترده بر ضد حجاب.

سوم | گسترش کمی و کیفی زیارات معصومان علیهم السلام و امام زادگان

۱. تشریف سالانه بیش از ۳۰ میلیون نفر به حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام؛
۲. تشریف بیش از ۱۰ میلیون نفر به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام؛
۳. حضور بیش از ۱ میلیون زائر در حرم حضرت شاه چراغ علیه السلام، فقط در نوروز ۱۳۹۷؛
۴. حضور سالانه ۲۰ میلیون زائر منتظر در مسجد مقدس جمکران؛
۵. حضور ۴۵ میلیون زائر در بقاع متبرک و اماکن مذهبی، در سال ۱۳۹۶؛
۶. برگزاری دعای توسل در ۵۶۳ بقعه متبرک، هزاران مسجد و هیئات مذهبی کشور، به صورت هفتگی.

چهارم | گسترش کمی و کیفی مساجد و فعالیت‌های نماز

۱. افزایش ۲,۵ برابری تعداد مساجد کل کشور از ۳۰,۰۰۰ مسجد در سال ۱۳۵۷ به حدود ۷۵,۰۰۰ مسجد در سال ۱۳۹۷، با مشارکت مردمی؛

۲. برگزاری نماز جماعت در تمام پادگان‌ها و مراکز نظامی و انتظامی، با حضور پرشور سربازان؛
۳. افزایش عناوین کتاب‌های مروج نماز از کمتر از ۱۰ عنوان به بیش از ۲,۰۰۰ عنوان؛
۴. به‌تحریر درآمدن صدها هزار پایان‌نامه دانشگاهی، مقاله تحقیقی و پژوهش در زمینه دفاع از دین اسلام، نماز و ...؛
۵. شرکت میلیونی مردم در نماز عید سعید فطر، در کشور؛
۶. شرکت بسیاری از دانش‌آموزان مدارس و دانشجویان در نمازهای جماعت؛
۷. برگزاری سالانه ۷۰۰,۰۰۰ جشن تکلیف دانش‌آموزی (غالباً خودجوش و مردمی) در سراسر کشور؛
۸. حضور صدها هزار نفری در مراسم عبادی - سیاسی نماز جمعه.

پنجم | گسترش چشمگیر فعالیت‌های تبلیغی

۱. استقبال چشمگیر خانواده‌ها برای حضور فرزندان‌شان در حوزه‌های علمیه، علی‌رغم حمله بی‌سابقه دشمن به ۱۵۰,۰۰۰ طلبه در سراسر کشور؛
۲. افزایش تعداد طلاب خانم به بیش از ۸۰,۰۰۰ طلبه؛
۳. استقبال مردمی از فیلم‌هایی با مضامین دینی، از جمله امام علی علیه السلام، یوسف پیامبر، مریم مقدس، مختارنامه و ...

ششم | گسترش فرهنگ انفاق و نیکوکاری

۱. رشد ۱۰ برابری وقف در دهه گذشته؛
۲. استقبال بی‌نظیر مردم کشور از تأسیس و راه‌اندازی مؤسسات خیریه به بیش از ۱۵,۰۰۰ مؤسسه در سال ۱۳۹۷؛
۳. پرداخت بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان زکات فطره در سال ۱۳۹۵؛
۴. مشارکت و همراهی میلیونی ایرانیان با حجاج بیت‌الله‌الحرام، در برپایی سنت حسنه عید قربان؛
۵. احیای موقوفات (حتی موقوفاتی که در زمان پهلوی، در مکان خود استفاده

نمی‌شد)؛

۶. حضور پرشور مردمی در جشن عاطفه‌ها و جمع‌آوری ۴۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در شهریور ۱۳۹۸ و افزایش ۴۱ درصدی آن نسبت به سال قبل؛
۷. کمک چشمگیر مردم در مراسم گل‌ریزان و آزادی ۷,۹۳۲ نفر زندانی غیرعمد از زندان، با کمک ستاد دیه، با مجموع بدهی بالغ بر ۱۵ هزار و ۹۷۷ میلیارد ریال؛
۸. برپایی سفره‌های افطار در هزاران مسجد و حسینیه و محله در ایران؛
۹. ثبت بیش از ۶,۸۰۰ موقوفه علمی - آموزشی و پژوهشی و فرهنگی در سطح کشور؛
۱۰. سهم ۲۵ درصدی وقف در حوزه درمان؛
۱۱. وجود هزاران کتاب و کتابخانه وقفی؛
۱۲. بهره‌مندی دانشجویان از ۴۰ دانشگاه موقوفه.

هفتم | گسترش حیرت‌آور فعالیت‌های جهادی

۱. افزایش تعداد گروه‌های جهادی از ۴۰ گروه در سال ۱۳۷۹ به ۱۲,۰۰۰ گروه در سال ۱۳۹۸؛
۲. حضور ۲,۵ میلیون نفری جهادگران (غالباً جوان) در مناطق محروم؛
۳. حضور ۶۰,۰۰۰ مهندس جهادگر برای سازندگی مناطق سیل‌زده سال ۱۳۹۸؛
۴. اشتغال‌زایی و محرومیت‌زدایی ۲,۸۹۸ روستا در مدت ۲,۵ سال، به‌دست نیروهای جهادی؛
۵. اجرای طرح کرامت مناطق آسیب‌پذیر حاشیه شهرها در سال ۱۳۹۷ و اجرای ۱,۰۵۲ پروژه عام‌المنفعه در ۴۰ محله؛
۶. بهره‌برداری از ۱,۲۲۰ واحد مسکونی زلزله‌زدگان، توسط جهادگران؛
۷. ساخت ۳۵۰ مسکن مربوط به بهزیستی، توسط جوانان جهادگر؛
۸. خدمت‌رسانی ۵,۳۸۰ گروه جهادی شناسه‌دار و محله‌محور در قالب ۷۸,۰۰۰ نفر برای کمک به سیل‌زدگان؛
۹. صف انتظار ۲,۲۰۰ گروه جهادی برای کمک به سیل‌زدگان؛

۱۰. پاک‌سازی ۲۰,۰۰۰ خانه و ۲,۴۰۰ کوچه و خیابان در مناطق سیل‌زده، توسط جهادگران؛
۱۱. حضور ۶۱۶ تیم عمومی پزشکی، ۳۰۲ تیم پزشکی تخصصی و ۱۱۰ تیم دام‌پزشکی و ۲۰۰ تیم مشاوره برای خدمت‌رسانی در مناطق سیل‌زده؛
۱۲. احداث ۱,۳۰۰ سیل‌بند و ۴۰۰ پل موقت و روستایی در استان‌های سیل‌زده، در روزهای اول، توسط جهادگران.

هشتم | پاس داشت ارزش‌های دفاع مقدس

۱. حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع شهید حججی، شهدای غواص و بالاخص سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی؛
۲. برگزاری پرجمعیت سالانه ۲۰,۰۰۰ یادواره شهدا در اقدامات خودجوش مردمی؛
۳. افزایش حضور مردم، به‌ویژه جوانان، در یادمان‌های عملیاتی دوران دفاع مقدس، از ۴۰۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۴ به بیش از ۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۶؛
۴. دیدار هفتگی بسیاری از بسیجیان با خانواده شهدا و حضور در منزل آن‌ها.

نهم | گسترش فعالیت‌های قرآنی

۱. حضور مردم روزه‌دار و برپایی بزرگ‌ترین اجتماعات قرآنی جهان در ماه مبارک رمضان، در ایران؛
۲. افزایش چشمگیر مدارس قرآنی و استقبال والدین از این مدارس؛
۳. ترجمه قرآن کریم به ۱۴۸ زبان زنده دنیا، غالباً مردمی و خودجوش؛
۴. انتشار ۳۷,۰۰۰ عنوان کتاب قرآنی؛
۵. ایجاد بیش از ۴۰۰ سایت قرآنی؛
۶. راه‌اندازی مؤسسات، مدارس و کانون‌های قرآنی؛
۷. حضور گسترده در فعالیت‌های قرآنی و ویژه بانوان، از جمله مسابقات، محافل، استادان و مؤسسات.

از موارد پیش‌گفته نتیجه می‌گیریم که دین‌دار بودن مردم پس از انقلاب اسلامی افزایش یافته است و برجستگی گرایش معنوی ایرانیان در مقایسه با

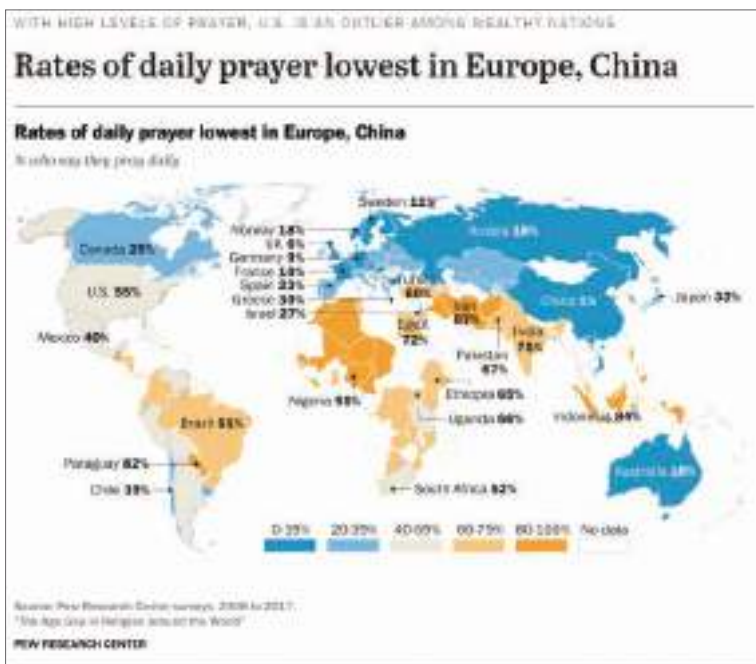
سایر کشورها مشخص می‌شود. براساس نتایج پژوهش‌های مرکز تحقیقاتی پیو^۱، درصد افرادی که هر روز دعا می‌خوانند، در کشورهای مختلف به شرح ذیل است:^۲

- چین ۱ درصد؛
- انگلستان ۶ درصد؛
- آلمان ۹ درصد؛
- فرانسه ۱۰ درصد؛
- استرالیا و روسیه ۱۸ درصد؛
- کانادا ۲۵ درصد؛
- رژیم غاصب صهیونیستی ۲۷ درصد؛
- آمریکا ۵۵ درصد؛
- ایران ۸۷ درصد.

همان‌گونه که در نقشهٔ صفحه بعد پیداست، ایران جزو برترین کشورهای جهان از نظر میزان گرایش افراد به مداومت در دعا خواندن روزانه (که از شاخص‌های مهم معنویت است) قرار دارد.

1. Pew Research Center

2. [pewresearch.org/fact-tank/2019/05/01/with-high-levels-of-prayer-u-s-is-an-outlier-among-wealthy-nations/ft.19-05-01_dayofprayer_ratesofdailyprayer](https://www.pewresearch.org/fact-tank/2019/05/01/with-high-levels-of-prayer-u-s-is-an-outlier-among-wealthy-nations/)



تصویر ۱۴۵: ... اطلس جهانی میزان عبادت و دعا کردن روزانه از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷

مهم‌ترین شاخصه‌های دین‌داری

اما نکته بسیار مهمی که در بحث دین‌داری کمتر به آن توجه شده (در حالی که در روایات، به‌عنوان اصلی اساسی دین‌داری مورد توجه قرار گرفته) اطاعت از امام عادل است.

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا تَزِيَّةً تَقِيَّةً وَلَا عَفْوَكَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا هَادِيًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً؛ امام باقر عليه السلام روایت نموده‌اند که پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند که خدای گرامی و بزرگ فرمود: "قطعاً و یقیناً مردمانی را که در اسلام، از پیشوایی ستم‌پیشه،

که ازسوی خدا نیست فرمان برند، عذاب می‌کنم، هرچند در اعمال خویش، نیکوکارانی پرهیزکار باشند و قطعاً و یقیناً مردمانی را که در اسلام، از پیشوایی هدایت‌گر، که ازسوی خدا باشد فرمان برند، می‌بخشم، هرچند در اعمال خویش، ستم‌پیشه‌ای بدکار باشند.»^۱

مقام معظم رهبری علیه السلام در شرح این روایت می‌فرماید: «نظام اسلامی به انسان‌ها سعادت می‌دهد. نظام اسلامی هم یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه الهی است برای جامعه، مبنی بر نقشه خداست در جامعه. اگر این نقشه تحقق پیدا کرد، خیلی از تخلفات فردی و شخصی و جزئی قابل اغماض خواهد بود. روایت معروفی است که نقل حدیث قدسی را می‌کند: «لَأَعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَلَوْ كَانَتِ الرَّعِيَةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً» نقطه مقابلش: «وَلَأَعْمُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَةٍ أَطَاعَتْ إِمَامًا عَادِلًا مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتِ الرَّعِيَةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً»؛ یعنی کار فردی و تخلف فردی در یک نظام عظیم اجتماعی، که حرکت عمومی به یک سمت درستی است، قابل اغماض است یا شاید به تعبیر دقیق‌تر، قابل اصلاح است؛ بالأخره می‌تواند این جامعه را، این افراد را به سرمنزل مقصود برساند، برخلاف این‌که اگر چنانچه نه، اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی نظامات غلطی بود، نظامات جائری بود، نظامات از ناحیه خدا نبود، از ناحیه شیطان بود، از ناحیه نفس بود، اعمال فردی نمی‌تواند این جامعه را بالأخره به سرمنزل مقصود برساند؛ آن چیزی که مطلوب شرایع الهی است از سعادت انسان، آن را نمی‌تواند برایشان به وجود بیاورد. بنابراین مسئله اطاعت کلان و این‌که انسان خط الهی را جست‌وجو کند و بیابد و آن را دنبال کند بسیار اهمیت پیدا می‌کند. نظام اسلامی براساس توحید است؛ پایه اصلی توحید است.»^۲

۱. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶.

درواقع ۴۰ سال است که مردم ما ولایت‌پذیری خود و اطاعت از ولی فقیه، به عنوان نایب ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ را اثبات کرده‌اند: شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن در بیش از ۱,۷۰۰ شهرستان، شهر، بخش و در بیش از ۴,۷۰۰ روستای کشور، به عشق نظام، رهبری و شهدا، یکی از مصداق‌های بارز این مطلب است.

شاخصه دیگری که برای دین‌داری مردم می‌توان روی آن تکیه کرد ظلم‌ستیزی است.

خداوند در قرآن، اولین ویژگی یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ظلم‌ستیزی بیان می‌کند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا؛ محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی.»^۱

یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قبل از آن‌که اهل رکوع و سجود باشند، ظلم‌ستیز هستند. آنان نه فقط در دوران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بلکه در تمام تاریخ این ویژگی‌ها را داشته‌اند و دارند. امروزه بسیاری از مردم ایران نیز این‌گونه‌اند؛ حضور میلیونی مردم روزه‌دار در راهپیمایی روز قدس، در گرمای شدید، آن‌هم پس از شب‌زنده‌داری شب‌های قدر، در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب، خودگویای این مطلب است.

برای نمونه، می‌توان به نظر مردم درباره محبوب‌ترین شخصیت ایران اسلامی اشاره کرد. به گزارش مرکز نظرسنجی دانشگاه مریند^۲، حاج قاسم سلیمانی، نوک پیکان ظلم‌ستیزی ایران در منطقه، در دوران حیات شریف خود، سال‌ها، با اختلاف چشمگیری، در صدر فهرست محبوب‌ترین شخصیت‌های مردم ایران جای داشت.

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. نتایج این نظرسنجی از سوی خبرگزاری *والاستریت ژورنال*، به نشانی زیر منتشر شده است:

www.wjs.com/articles/iran-generals-profile-rises-as-tehran-flexes-mideast-muscle-1519128000



تصویر ۱۴۶: گزارش وال استریت ژورنال از میزان محبوبیت سردار قاسم سلیمانی، براساس نتایج نظرسنجی دانشگاه مریلند

۳) تأثیر جمهوری اسلامی بر معنویت دنیا

جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از تمام ظرفیت‌های ممکن، در جهت ارتقای دین‌داری مردم کوشیده است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در عرصه معنویت، نه فقط بر مردم ایران، بلکه در زندگی فردی مردم جهان نیز درخور توجه است. برخی از نظریه‌پردازان و اندیشمندان دنیا بر این باورند که انقلاب اسلامی، جهان را به سمت دین‌داری پیش می‌برد.

پتر رومن شول - لاتور^۱، استاد دانشگاه، نویسنده و مفسر سیاسی مشهور آلمان، معتقد است: «اکنون نهضت بازگشت به دین و مدینه فاضله آغاز شده است. بنابراین جهانیان به برکت انقلاب اسلامی دریافته‌اند که تنها راه سعادت، اسلام است.»^۲

1. Peter Roman Scholl - Latour

۲. میراحمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص ۶۹.

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، می‌گوید: «انقلاب اسلامی دنیا را به سمت دینی شدن پیش می‌برد.»^۲

محمد‌الأمین خلیفه، رئیس مجلس شورای اسلامی سودان، اعتقاد دارد: «انقلاب اسلامی ایران پرچم‌دار تجدید حیات اسلامی در این قرن است.»^۳

پروفسور حمید مولانا خاطره‌زیبایی را بیان می‌کند: «... اخیراً که پس از بیست سال، هنگامی که برای شرکت در کنفرانس بزرگ بین‌المللی در همین رشته [= علوم ارتباطات روابط بین‌الملل]، در دانشگاه لایپزیک، به آلمان شرقی رفته بودم، برای اولین بار در عمر ۴۳ ساله انجمن علوم ارتباطات آنجا، اعضای انجمن جلسه خودشان را در کلیسای سن نیکسولی تشکیل دادند. آنجا کشیشی برای ما سخنرانی می‌کرد که به قول خودش، انقلاب آلمان شرقی را به شیوه حضرت امام هدایت کرده بود.»^۴

پروفسور توشیو کورودا، مترجم نهج‌البلاغه به زبان ژاپنی و استاد برجسته مطالعات اسلامی در ژاپن، می‌گوید: «قبل از انقلاب اسلامی ایران، هر کتابی که با عنوان و محتوای اسلامی در ژاپن چاپ می‌شد تیراژش کمتر از هزار نسخه بود. الحمدلله بعد از پیروزی انقلاب، کتاب‌های اسلامی در ژاپن رو به گسترش رفته‌است. [...] مدتی پیش، کتابی درباره روح و معنویت اسلام به زبان ژاپنی نوشتم که در عرض یک ماه، بیش از ۲۰ هزار نسخه آن به فروش رسید.»^۵

در هفتم آوریل سال ۱۹۸۰، یعنی تقریباً یک سال و دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مجله‌تایم مقاله‌ای با عنوان «نوسازی پرونده برای خدا» منتشر

1. Anthony Giddens

۲. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۷۵.

۳. احمد امیدوار و حسین یکتا، امام خمینی و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۴. میراحمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص ۷۱.

۵. ژیل کیل، اراده خداوند، ص ۱۱.

ساخت و در آن اعلام کرد که به صورت کاملاً پیش‌بینی‌نشده‌ای، یک انقلاب بی‌سروصدا در افکار و بحث‌های مجامع فکری رخ داده است و آن انقلاب عبارت است از این‌که خدا در حال برگشتن است و نکتهٔ عجیب آنجاست که این اتفاق در بین افرادی رخ داده که هرگز قبول نمی‌کردند حتی برای یک لحظه وجود خدا را بپذیرند.^۱



تصویر ۱۴۷: مقاله «نوسازی پرونده برای خدا»

۴) گرایش مردم جهان به دین مبین اسلام

موج گرایش به نام‌گذاری دینی و مذهبی برای کودکان، در بریتانیا، در سال‌های اخیر، اتفاقات جالبی را رقم زده است، به طوری که در سال‌های گذشته، بیشترین نام پسر متولد شده در بریتانیا، نام پیامبر مکرم اسلام، محمد ﷺ، بوده است و در سال ۲۰۱۹، نام حضرت نوح ﷺ رتبهٔ دوم نام‌ها در میان پسران به دنیا آمده در بریتانیا را از آن خود کرده است.^۲

1. content.time.com/time/magazine/article/0,9171,921990,00.html

2. babycentre.co.uk/top-baby-boy-names-2019



GETTING PREGNANT
PREGNANCY
BABY
TODDLER

Top baby boys' names of 2019

By Francesca Whiting | November 2019



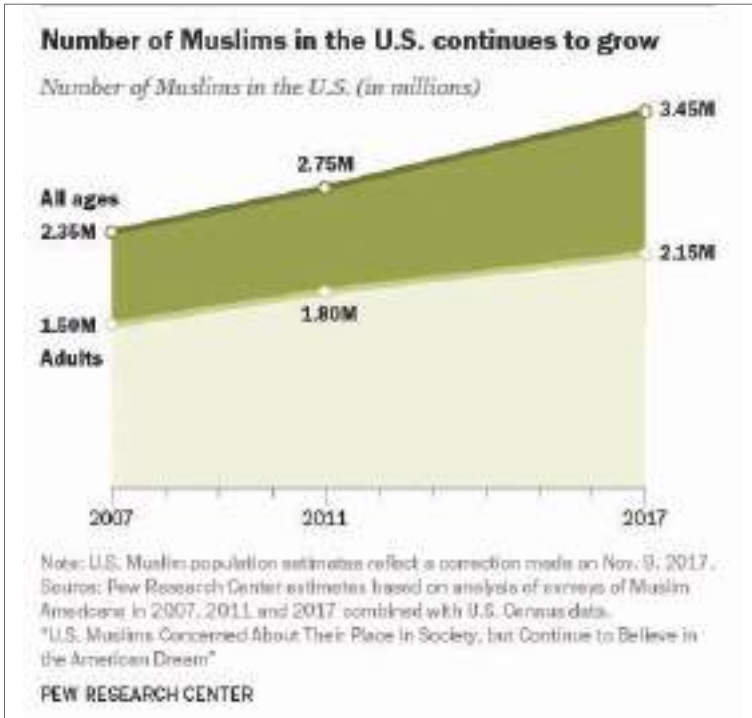
| | | |
|-------------|-----------|---|
| 1. Muhammad | 51. Kian |  |
| 2. Noah | 52. Yusuf |  |
| 3. Leo | 53. Aibre | |



تصویر ۱۴۸: .. رتبه بندی نام‌های محبوب در کشور انگلیس

مسئله مهم بعدی درباره گسترش دین‌داری و معنویت در جهان، مسئله افزایش جمعیت مسلمانان در کشورهای مختلف دنیاست. مثلاً براساس گزارش مؤسسه تحقیقاتی پیو، مطابق نمودار صفحه بعد، جمعیت مسلمانان

در ایالات متحده آمریکا، در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷، از ۲,۳۵۰,۰۰۰ نفر به ۳,۴۵۰,۰۰۰ نفر رسیده است و این روند رشد در آینده نیز ادامه خواهد یافت.^۱



تصویر ۱۴۹: روند تغییرات جمعیت مسلمانان در ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ /

منبع: مؤسسه تحقیقاتی پیو

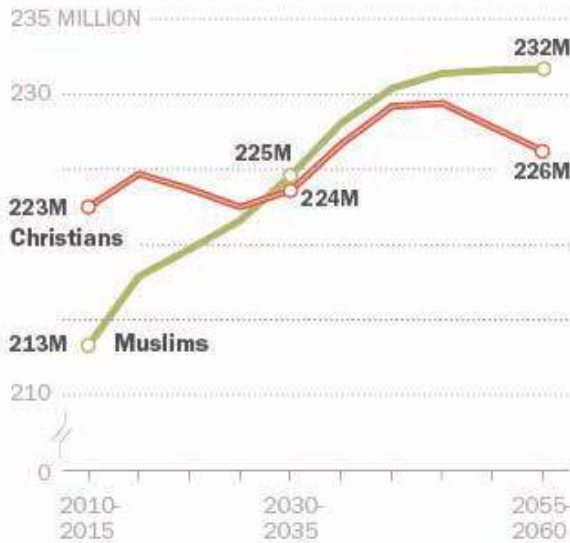
بنابر گزارش همین مؤسسه، تعداد نوزادان متولدشده مسلمان در جهان، در سال ۲۰۳۵ م، از تعداد نوزادان متولدشده مسیحی بیشتر خواهد شد و اختلاف بین این دو، تا سال ۲۰۶۰ م، جداً افزایش می‌یابد.^۲

1. pewresearch.org/fact-tank/2018/01/03/new-estimates-show-u-s-muslim-population-continues-to-grow

2. pewforum.org/2017/04/05/the-changing-global-religious-landscape

Babies born to Muslims will begin to outnumber Christian births by 2035

Estimated number of babies born, by mother's religion, during each five-year period



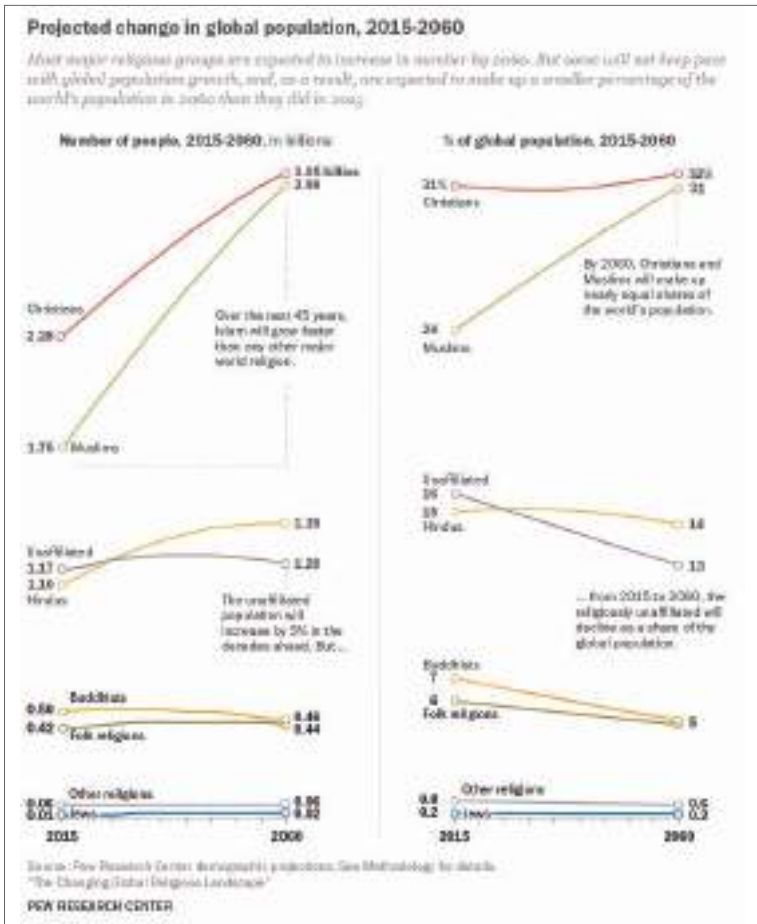
Source: Pew Research Center demographic projections.
See Methodology for details.
"The Changing Global Religious Landscape"

PEW RESEARCH CENTER



تصویر ۱۵۰: ... پیش بینی روند تغییرات میزان زاد و ولد در میان مسلمانان و مسیحیان در سراسر جهان از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۶۰ / منبع: مؤسسه تحقیقاتی پیو

تصویر صفحه بعد، که برگرفته از گزارش قبل است، نشان می‌دهد که جمعیت تمام مسلمانان تا سال ۲۰۶۰ م، به جمعیت تمام مسیحیان خواهد رسید و به احتمال قریب به یقین، قبل از اتمام قرن ۲۱، اسلام دین غالب جهان خواهد بود.



تصویر ۱۵۱: ... پیش بینی روند تغییرات جمعیتی ادیان مختلف جهان از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۶۰ /

منبع: مؤسسه تحقیقاتی پیو

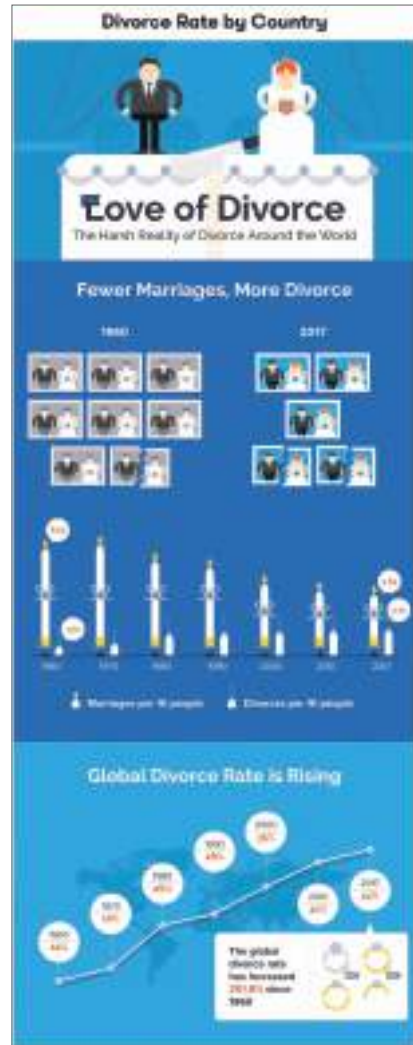
بنابر این گزارش، تا سال ۲۰۶۰ میلادی، جمعیت سایر ادیان جهان و همچنین جمعیت افراد بی‌دین، تغییر چندانی پیدا نخواهد کرد و از حیث متوسط سنی، جمعیت این افراد به میزان قابل توجهی پیرتر خواهد شد.

۵) بحران معنویت در غرب

عواقب فروپاشی اخلاق و معنویت در غرب

الف) فروپاشی خانواده

افزایش ۲۵۱ درصدی طلاق در دهه‌های گذشته^۱



تصویر ۱۵۲: .. روند افزایش نرخ طلاق در دنیا / منبع: OECD. اتحادیه اروپا و ...

1. unifiedlawyers.com.au/blog/global-divorce-rates-statistics

Divorce Rate by Country

10 HIGHEST



10 LOWEST



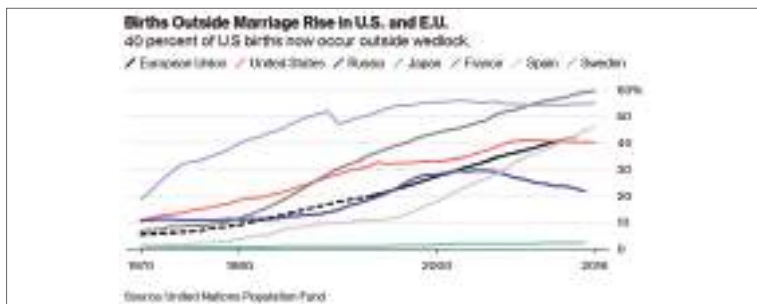
تصویر ۱۵۲: ۱۰ کشور پر طلاق و ۱۰ کشور کم طلاق دنیا

پایین تر بودن طلاق در میان ادیان ، نسبت به میانگین دنیا



تصویر ۱۵۴: .. نرخ طلاق به تفکیک ادیان^۱

چندین برابر شدن تولد کودکان نامشروع در دنیا



تصویر ۱۵۵: .. روند افزایشی میزان کودکان نامشروع در کشورهای مختلف دنیا / منبع: صندوق

جمعیت سازمان ملل متحد^۲

۱. همان.

۲. این نمودار برگرفته از گزارش نشریه بلومبرگ در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۸ است که براساس داده‌های بخش جمعیت سازمان ملل محاسبه شده است. متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:
[bloomber.com/news/articles/2018-10-17/almost-half-of-u-s-births-happen-outside-marriage-signaling-cultural-shift](https://www.bloomber.com/news/articles/2018-10-17/almost-half-of-u-s-births-happen-outside-marriage-signaling-cultural-shift)

سهم بیشتر کودکان نامشروع در ارتکاب جرم و جنایات

یکی از مهم‌ترین معضلات فروپاشی نهاد خانواده، که در جامعه آمریکا به وجود آمده است، عدم تربیت صحیح کودکان بزرگ شده با والدین مجرد است. بنابر گزارش نشریه *آتلانتیک آمریکا*، ۸۷ درصد از مجرمان آمریکا افرادی هستند که کودکی خود را بدون پدر یا مادر گذرانده و اکثریت آنان نیز با مادران مجرد زندگی کرده‌اند.^۱ برای مثال، ۶۳ درصد خودکشی‌ها در میان جوانان، ۹۰ درصد بی‌خانمانی و فرار از منزل کودکان، ۸۰ درصد سوءرفتارهای اخلاقی، ۸۰ درصد تجاوزهای با انگیزه خشم، ۷۱ درصد اخراج از مدرسه، ۷۵ درصد سوءمصرف مواد مخدر، ۷۰ درصد زندانی‌های ایالتی آمریکا و ۸۵ درصد جوانان زندانی در آمریکا را افرادی تشکیل می‌دهند که بدون پدر بزرگ شده‌اند. به عبارت دیگر، کودکانی که بدون پدر بزرگ می‌شوند نسبت به سایر کودکان، ۵ برابر بیشتر احتمال خودکشی، ۳۲ برابر بیشتر احتمال فرار از منزل، ۲۰ برابر بیشتر احتمال سوءرفتارهای اخلاقی، ۱۴ برابر بیشتر احتمال ارتکاب تجاوز به عنف، ۹ برابر بیشتر احتمال اخراج از دبیرستان، ۱۰ برابر بیشتر احتمال سوءمصرف مواد مخدر و ۲۰ برابر بیشتر احتمال افتادن به زندان را دارند.^۲

1. theatlantic.com/saxes/archive/2012/12/the-real-complex-connection-between-single-parent-families-and-crime/265860

2. Bob Villareal, *A Tear in the Hull: A Nation Sinking in Divorce*, p. 109.

(باب ویاریل، *اشکی در کشتی: ملتی در حال غرق شدن در طلاق*، ص ۱۰۹)

- 63% of youth suicides are from fatherless homes. (Source: U.S. D.H.K.S., Bureau of the Census)
- 90% of all homeless and runaway children are from fatherless homes. (Source: U.S. D.H.K.S., Bureau of the Census)
- 85% of all children that exhibit behavioral disorders come from fatherless homes. (Source: Center for Disease Control)
- 85% of all youths sitting in prisons grew up in a fatherless home. (Fulton County Georgia Jail Populations and Texas Dept. of Corrections, 1992)
- 80% of rapist motivated by displaced anger come from fatherless homes. (Source: Criminal Justice & Behavior, Vol 14, p-403-26.)
- 71% of all high school dropouts come from fatherless homes. (Source: National Principals Association Report on the State of High Schools)
- 75% of all adolescent patients in chemical abuse centers come from fatherless homes. (Source: Rainbows for all Gods children)
- 70% of juveniles in state-operated institutions come from fatherless homes. (Source: U.S. Dept. of justice, special report, Sept. 1988)

تصویر ۱۵۶: .. سهم بیشتر کودکان نامشروع در ارتکاب جرم و جنایات در ایالات متحده آمریکا

ب) جرم و جنایت

به گزارش بخش مبارزه با جرائم و مواد مخدر سازمان ملل و همچنین مرکز کنترل و پیش‌گیری از بیماری دولت آمریکا، میزان ارتکاب قتل در آمریکا، نسبت به سایر کشورهای دنیا، بسیار بالاتر است. همچنین بنا بر گزارش بخش مبارزه با جرائم و مواد مخدر سازمان ملل، میزان تجاوز در آمریکا، کشورهای اسکاندیناوی و غرب اروپا، بالاتر از دیگر نقاط جهان بوده است.^۱

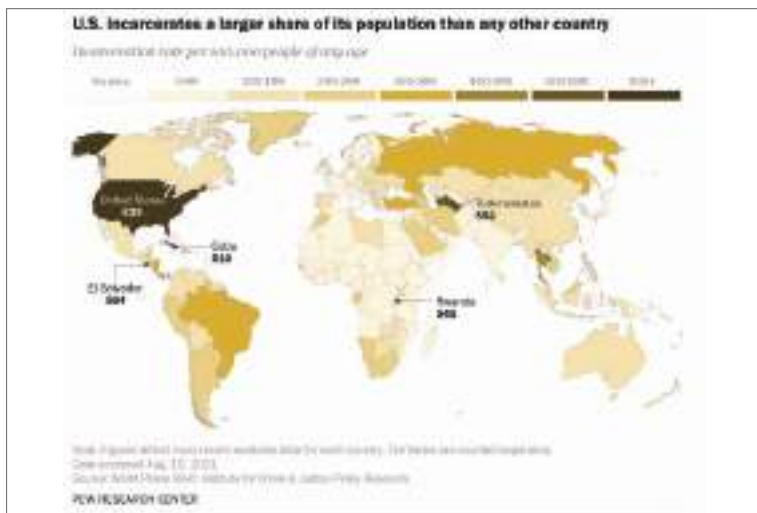
۱. محاسبه شده از سوی پایگاه آماری Statista، برگرفته از داده‌های سازمان مبارزه با جرائم و مواد مخدر ملل متحد (UNODC) و مرکز کنترل و پیش‌گیری از بیماری دولت آمریکا (CDC)، پیوند وبگاه: [statista.com/chart/3848/the-us-murder-rate-compared-to-other-countries](https://www.statista.com/chart/3848/the-us-murder-rate-compared-to-other-countries)



تصویر ۱۵۷: .. مقایسه میزان ارتکاب قتل در آمریکا نسبت به سایر نقاط جهان

بنابر گزارش مؤسسه تحقیقاتی پیو، آمریکا دارای بالاترین تعداد زندانی در دنیاست. در ۵۰ سال گذشته، تعداد زندانیان در آمریکا افزایش چشمگیری پیدا کرده است!^۱

1. pewresearch.org/fact-tank/2018/05/02/americas-incarceration-rate-is-at-a-two-decade-low



تصویر ۱۵۸: .. اطلس جهانی نرخ زندانیان^۱

هزینه‌های سنگین اقتصادی ناشی از آمار بالای جرائم و زندانیان در آمریکا، چالشی اقتصادی برای ایالات متحده به وجود آورده است. بنابر گزارش دیوان محاسبات آمریکا، هزینه سالانه جرائم در آمریکا، دست کم ۶۹۰ میلیارد دلار و حداکثر ۳/۴۱۰ میلیارد دلار و همچنین در محاسبه‌ای دیگر، ۱/۵۷۰ میلیارد دلار محاسبه شده است که بنابر محاسبه ۱/۵۷۰ میلیارد دلاری (میانگین)، سالانه ۴/۱۱۸ دلار به ازای هر آمریکایی، برای تأمین هزینه‌های ناشی از جرم و جنایت در ایالات متحده آمریکا مصرف می‌شود.^۲

ب) خودکشی و بیماری‌های روحی - روانی

بنابر آمار مؤسسه جهانی آمار و ارزیابی سلامت^۳، میزان خودکشی در ایالات

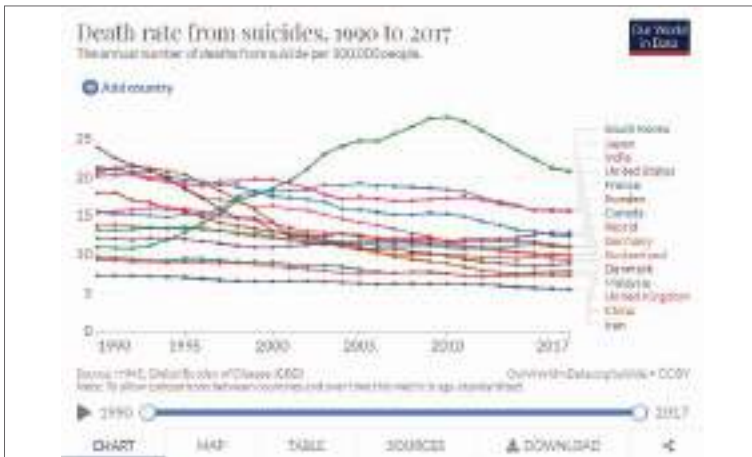
۱. منبع: مؤسسه تحقیقاتی پیو

۲. متن کامل گزارش دیوان محاسبات آمریکا در این نشانی قابل دسترسی است:

gao.gov/products/GAO-17-732

3. IHME

متحدۀ آمریکا، بالاتر از میانگین جهانی بوده و سالانه حدود ۱۳ نفر از هر ۱۰,۰۰۰ نفر آمریکایی، جان خود را به علت خودکشی از دست می‌دهند. در این آمار، کرهٔ جنوبی، هند، ژاپن و فرانسه بالاتر از آمریکا قرار دارند و جمهوری اسلامی ایران در ردیف کشورهایایی است که پایین‌ترین میزان خودکشی را دارند.^۱



تصویر ۱۵۹: .. میزان خودکشی در کشورهای مختلف جهان / منبع: مؤسسۀ جهانی آمار و ارزیابی سلامت (IHME)

همچنین به گزارش مرکز کنترل و پیش‌گیری از بیماری دولت آمریکا^۲، نیمی از مردم این کشور بیماری‌های روحی - روانی را تجربه کرده‌اند و سومین عامل بستری شدن افراد ۱۸ تا ۴۴ ساله در بیمارستان‌های آمریکا، بیماری‌های روحی - روانی است.^۳

۱. این نمودار براساس داده‌های مؤسسۀ جهانی آمار و ارزیابی سلامت (IHME) است و از سوی پایگاه آماري Ourworldindata، به نشانی زیر منتشر شده است:
ourworldindata.org/grapher/suicide-death-rates?tab=chart&country=CAN+CHN+FRA+IND+IRN+JPN+MYS+KOR+SWE+CHE+GBR+USA+OWID_WRL+DNK+DEU

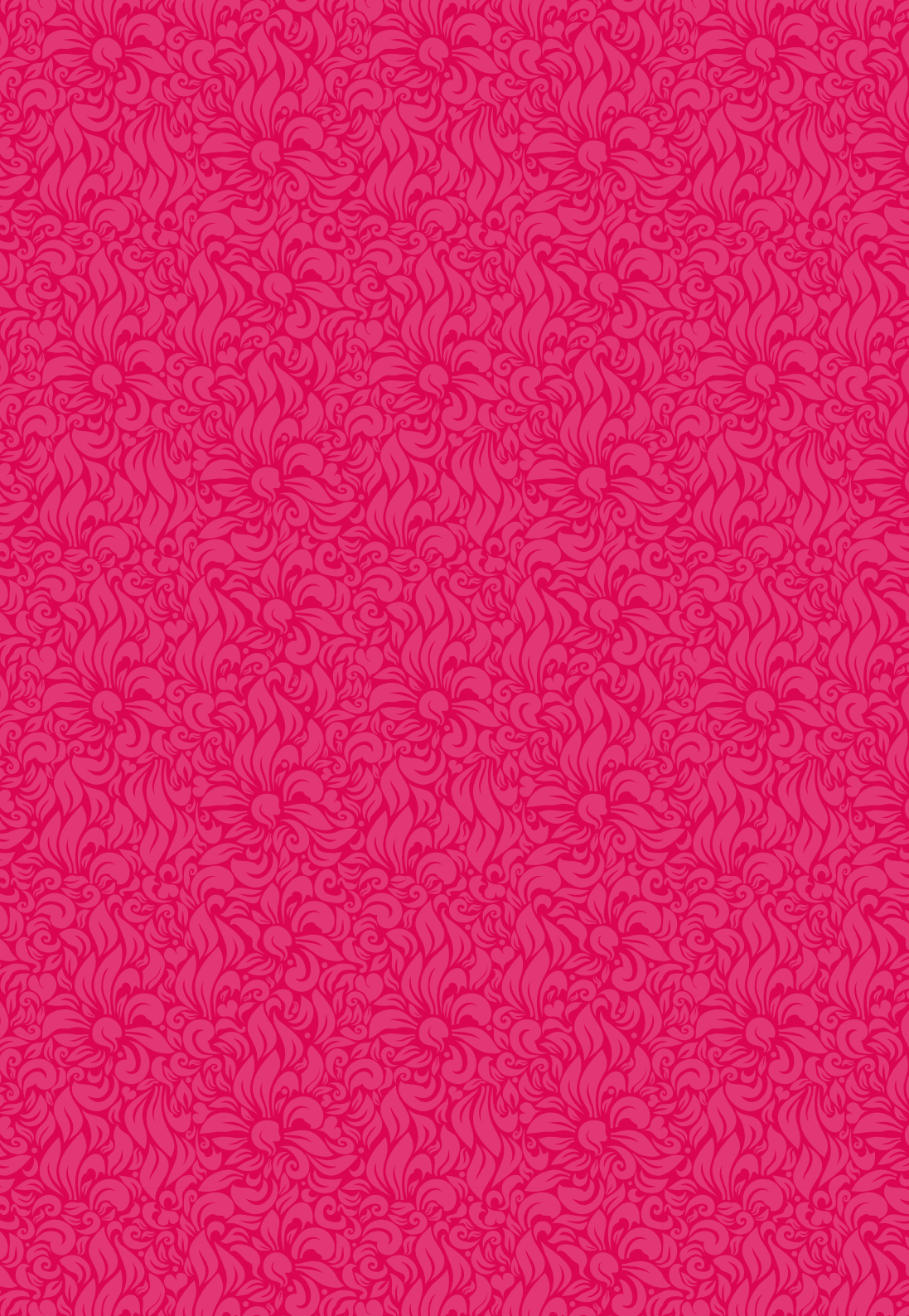
2. CDC

3. cdc.gov/mentalhealth/data_publications/index.html

فصل هشتم

کرامت زن





۱) زن در نگاه سران ایران

برای تبیین و تشخیص نظر یک حکومت درباره زن، باید دیدگاه افراد تأثیرگذار حکومت درباره زن مورد بررسی قرار گیرد، زیرا دیدگاه این افراد نگاه کلی آن حکومت به زن را تشکیل می‌دهد. در ادامه، نگاه شاه و درباریان و سپس نگاه امامین انقلاب اسلامی به زن مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

اول نگاه شاه و دربار به زن

در طول تاریخ، بیشتر حکومت‌ها و نظام‌ها در مورد زن، ادعاهای مختلفی مطرح کرده‌اند، ولی لازم است تا برای صحت‌سنجی گفتار آن‌ها، عملکرد آن‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. شاهان پهلوی نه تنها در عمل به منزلت زن توجهی نمی‌کردند، بلکه حتی به سخن نیز از دیدگاه خود دفاع می‌کردند و با وقاحت تمام، زن را تنها محدود به ارضای نیاز جنسی مردان می‌دانستند و هیچ باوری به موفقیت بانوان در امور مختلف نداشتند.

مثلاً محمدرضا شاه در مصاحبه با خانم اوریانا فالاجی^۱، خبرنگار ایتالیایی، در سال ۱۳۵۲، در مورد زن این‌گونه می‌گوید: «در زندگی یک فرد، زن

1. Oriana Fallaci